

تحلیل محتوای قطعنامه‌های دوره انقلاب...

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هشتم، شماره 12

تحلیل محتوای قطعنامه‌های دوره انقلاب

(از شهریور تا 22 بهمن) 1357

اسماعیل حسن‌زاده

قطعنامه‌ها یکی از منابع مهم تاریخ انقلاب اسلامی است که، به دلیل جنبه‌های کاربردی‌اش در دوران تحولات انقلابی، ارزش داور و غرض‌ورزی در آن‌ها راه نیافته است. تحلیل قطعنامه‌ها در کنار سایر منابع مشابه، همچون دیوار نوشته‌ها و شعارها، می‌تواند ابعاد جدیدی را در مطالعات انقلاب اسلامی بگشاید. با توجه به ارزش تاریخی این دسته از منابع، مقاله حاضر درصدد است تا با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا سیر خواسته‌ها و مواضع انقلابیون را در شش ماهه واپسین حکومت پهلوی تبیین نماید. قطعنامه‌ها نشان می‌دهد که خواسته‌ها و مواضع انقلابیون در این مدت از صنفی به سیاسی و از سلبی به ایجابی در حال دگرگونی است. هرچه زمان پیروزی نزدیک می‌شد، قطعنامه‌ها نیز اغلب خواسته‌های سیاسی ایجابی را مطرح می‌کردند.

مفاهیم کلیدی: قطعنامه، انقلاب اسلامی ایران، شعارها، تحلیل محتوا.

1. بیان مسئله

سرکوب اعتراضات مردمی در 15 خرداد 1342، ضمن پایان دادن به مبارزات قانونی گروه‌های سیاسی، امیدواری طبقات متوسط (جدید و سنتی) و پایین جامعه را برای بهبود اوضاع سیاسی و توزیع عادلانه قدرت به یأس مبدل ساخت و نشان داد که رژیم به هیچ‌وجه حاضر به بهره‌گیری از مجاری و ابزارهای قانونی برای ادامه حکومت نیست. قیام 15 خرداد فرصت بازخوانی پرونده مبارزات سیاسی نسل پیشین را برای مبارزان فراهم ساخت. در این بازخوانی به‌طور مشخص دو نوع تاکتیک برای مبارزه مطرح گردید: یکی مبارزه مسلحانه بود که توسط گروه‌های سیاسی تازه بنیاد روشنفکران و تحصیل‌کردگان جوان مطرح شد و به فرجامی نرسید. دومی مبارزات سیاسی - فرهنگی توأم با آگاهی‌بخشی به مردم بود که توسط امام خمینی و تعدادی از روشنفکران دینی اتخاذ گردید. این دسته از مبارزان نیز هدف خود را بر ساقط کردن رژیم متمرکز ساخته بودند. این شیوه بنابر ماهیت خود تاکتیک‌های غیر خشونت‌آمیز اتخاذ کرده بود. مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، هیئت‌های مذهبی، ایام مذهبی (اعیاد و عزاداری‌ها)، مدارس علوم دینی محفل‌های پیگیری چنین استراتژی بود که توسط تعدادی از روحانیان، روشنفکران، فرهنگیان، بازاریان، کارمندان و کارگران متدین انقلابی در گوشه کنار ایران تبلیغ می‌شد.

¹ . مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هشتم، شماره 2، تابستان 1386، ص.

هر استراتژی بنا به ماهیت، اهداف و ایدئولوژی خود برای تحقق بخشیدن به تاکتیک‌هایش از ابزارهای خاص بهره می‌گیرد. مبارزه دستکم از دو مرحله می‌گذرد: در مرحله اول، استراتژی غیر خشونت‌آمیز در دوران سرکوب شدید از طریق تکاپوهای محفلی محدود و با پخش اعلامیه، نوار، سخنرانی درصدد جذب توده‌ها و فعال نگه داشتن توانمندی‌های مبارزاتی بر می‌آید. هدف این دوره آگاهی‌بخشی به توده‌ها و ایجاد نوعی همدردی و همسانی باورهای توده مردم با اندیشه‌های انقلابیون پیشرو است. در مبارزات مسلحانه این مرحله با ترورهای تهبیجی و بمب‌گذاری‌ها تحقق می‌یابد. این مرحله با توجه به اهداف و ماهیتش بطبیء و طولانی‌مدت است و نیازمند حاملان انقلابی سرسخت، پیگیر و متدین به اصول انقلاب است. ایدئولوژی، رفتارها، اهداف و تاکتیک‌های گروه انقلابی نقش مهمی در جلب و جذب توده‌ها به سوی انقلاب ایفا می‌کند. مرحله دوم عملیاتی کردن و عینیت بخشیدن به باورهای انقلابی توده‌ها است. در این مرحله، گروه‌های انقلابی علاوه بر زدودن تزلزل‌های احتمالی توده‌ها، با سخنرانی‌های آتشین و تظاهرات و اعتصابات گسترده و زنجیره‌ای انقلاب همه‌جانبه به وجود می‌آورند. بر اثر طولانی شدن این مرحله، لایه‌ها و ابعاد جدیدی از تاکتیک‌ها مطرح می‌شود. برای نمونه، اعتصاب که یکی از تاکتیک‌های مبارزاتی است در جریان انقلاب اسلامی به‌ویژه از تابستان 1357 به صورت‌های مختلف تجلی یافت، اعتصاب کاری، کم‌کاری، خراب‌کاری عمومی در جریان مدیریت و تولید، اعتصاب غذا، روزه سیاسی، خاموش کردن برق بازار، ادارات و کارخانه‌ها، اعتصاب نشسته در محیط کار و تحصیل از آن جمله است.

در مرحله دوم، انقلابیون مواضع، دیدگاه‌ها و خواسته‌های خود را در قالب بیانیه، اعلامیه، قطع‌نامه، پلاکارد، پارچه‌نویسی، دیوارنویسی، شعار، جزوات، شب‌نامه، رساله، سخنرانی و غیره اعلام می‌دارند. این عناصر داده‌های تاریخی ارزشمندی برای مطالعات تاریخی و اجتماعی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. با توجه به این‌که این منابع در بحبوحه تحولات انقلابی تولید شده بخشی از علل انقلاب را بدون هر گونه دستکاری‌ها و ارزش داورهای بعدی در خود محفوظ نگه می‌دارد. تاکنون پژوهش‌های محدودی بر روی این دسته از منابع صورت گرفته است. درباره شعارها فقط دو کار ارزشمند صورت گرفته است. یکی با نام فرهنگ شعارهای انقلاب اسلامی توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است. این اثر شعارها را بدون هیچ‌گونه تحلیلی گردآوری کرده است و مواد خام برای تحلیل پژوهشگران فراهم ساخته است. اثر دوم با نام جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی توسط محمدحسین پناهی تألیف و منتشر شده است که به‌نوبه خود کاری ارزشمند در این حوزه است. یک مقاله درباره شعارها و دو اثر درباره دیوار نوشته‌ها منتشر شده است که مشخصات آن‌ها در پایان مقاله آمده است. اما درباره قطع‌نامه‌های انقلاب اسلامی تاکنون هیچ اثری اعم از گردآوری یا تحلیلی صورت نگرفته است. شناخت و شناسایی قطع‌نامه‌ها و سایر قوالب رسانه‌ای دوران انقلاب می‌تواند مکمل و مؤید یا ردکننده بسیاری از ادعاها باشد. به سخن دیگر، پژوهش‌های کمی و کیفی در مورد این داده‌های تاریخی مهم می‌تواند به بسیاری از پرسش‌های موجود و شبهات احتمالی به صورت علمی و بی‌طرفانه پاسخ دهد.

این مقاله درصدد است تا با تحلیل محتوا به این پرسش پاسخ گوید که مواضع و خواسته‌های توده‌های انقلابی در طول شش ماه پایانی انقلاب (از شهریور تا 22 بهمن) 1357 در قطع‌نامه‌ها چه روندی داشت؟ و از قطع‌نامه‌های انقلاب چه استنباط‌هایی به دست می‌آید؟

2 . چارچوب مفهومی

الف : تعریف‌ها

مفهوم «قطعنامه» در ادبیات سیاسی ایران مفهومی نوپدید است. در دوره مشروطه انقلابیون از مفهوم «مستدعیات» برای بیان مطالبات خود استفاده می‌کردند که تقریباً مترادف با مفهوم «خواسته‌ها» است که در انقلاب اسلامی نیز به‌کار گرفته شده است. اما مفهوم «خواسته‌ها» با مفهوم «مستدعیات» تفاوت ظریفی دارد. «خواسته‌ها» اعم از «مستدعیات» است، یعنی علاوه بر مطالبات، مواضع را نیز نشان می‌دهد. مفهوم «قطعنامه» نیز شباهت نزدیکی به «خواسته‌ها» دارد، اما بین این دو نیز تفاوت ظریفی در ساختارشان می‌توان قایل شد. در دوره انقلاب، صادرکنندگان آن‌ها توجهی به تفاوت ظریفشان نداشتند. البته، به‌دلیل عمل‌گرایی حاکم بر رفتار انقلابیون، کمتر به واژه‌های این‌گونه اهمیت داده می‌شد. آنچه مهم بود رساندن فریادشان به گوش حاکمیت بود. به این دلیل، پژوهشگر در تفکیک دقیق این دو مفهوم با دشواری مواجه است. نگارنده برای رفع این مشکل به این‌صورت عمل کرده است که هرگاه «خواسته‌ها» ساختار «قطعنامه‌ها» را داشته، آن را به‌عنوان «قطعنامه» پذیرفته است، حتی اگر بر بالای آن واژه «خواسته‌ها» درج شده باشد. البته شایان ذکر است که این آمیختگی اغلب در «خواسته‌ها» و «قطعنامه‌ها» پی‌که در روزنامه‌ها منتشر شده است صدق می‌کند. زیرا در جراید بنابه ضرورت‌های حرفه‌ای بخشی از متن را حذف می‌کردند. هرگاه در نشریات واژه «قطعنامه» بر بالای متن درج شده بود، نگارنده آن را به‌عنوان یک ماده پژوهشی مورد استفاده قرار داده است حتی اگر تقدم و تأخر آن بنا به ضرورت‌های روزنامه‌نگاری حذف شده باشد.

پس «قطعنامه‌ها» را می‌توان به‌صورت زیر تعریف کرد: قطعنامه نوعی پیام کتبی با ساختار مشخص که در بردارنده مواضع و خواسته‌های گروهی از مردم است که در پایان تظاهرات یا اعتصاب جهت نیل به اهداف گروهی از پیش تعیین شده صادر می‌شود. باید افزود «قطعنامه» از نظر ساختار، محتوا و اهداف با «بیانیه» و «اعلامیه» متفاوت است، هرچند پاره‌ای شباهت‌ها بین این‌ها وجود دارد که پرداختن به آن‌ها فرصتی دیگر می‌طلبد.

ب : ساختار قطعنامه‌ها

«قطعنامه‌ها» از نظر ساختار از سه بخش مقدمه، متن و نتیجه تشکیل شده است. در حالی‌که «خواسته‌ها» فاقد این ساختار هستند. مقدمه مشتمل بر بررسی اجمالی مشکلات جامعه، عوامل بحران‌ساز، دلایل تظاهرات و اعتصاب، زمان و مدت اعتصاب و تظاهرات، تعداد مفاد قطعنامه است. حجم مقدمه در قطعنامه‌ها متفاوت است، گاهی از سه یا چهار سطر تا بیست سطر و حتی بیشتر تشکیل شده است. متن نیز مشتمل بر خواسته‌ها و مواضع گروهی است، که به‌صورت مشخص و مجزا از هم با اعداد شمارش شده است. خواسته‌ها و مواضع گاه در قالب جملات ناقص (مانند «آزادی زندانیان سیاسی» یا «برقراری جمهوری اسلامی») و گاه به‌صورت جمله کامل بیان می‌شد. به‌طوری‌که برخی مواد قطعنامه‌ها از چند سطر نیز تشکیل شده است. نتیجه مشتمل بر اتمام حجت، تهدید و ضرب‌الاجل برای تحقق خواسته‌هاست. در نتیجه، اغلب از جملات تهدیدآمیز شبیه موارد زیر استفاده شده است: «در صورتی‌که در پایان مدت اعتصاب به خواسته‌های آنان پاسخ داده نشود در مورد اعتصاب تجدیدنظر خواهند کرد»، یا «به‌منظور رسیدن به هدف‌های فوق مبارزه آگاهانه ملت ما تا سرحد پیروزی به صورت‌های گوناگون ادامه خواهد یافت و هرگونه دسیسه و دروغ‌پردازی و اتهام و اخلال و یورش حکومت ما را از جنبش رهایی‌بخش باز نخواهد داشت». معمولاً قطعنامه‌ها با شعار و نام گروه یا کمیته برگزارکننده تظاهرات و اعتصاب به پایان می‌رسد.

پ : انواع قطعنامه برحسب محتوا

بررسی مواد قطعنامه‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها از نظر محتوا، خواسته‌ها و مواضع متعددی را مطرح کرده‌اند که به منظور سهولت در تحلیل به سه دسته: صنفی، سیاسی و مختلط تقسیم شده است.

منظور از قطعنامه‌های صنفی قطعنامه‌هایی است که تمامی مواد و محتوای آن‌ها مطالبات یک صنف مشخص و معمولاً صادرکننده را نشان می‌دهد. نگارنده به منظور اجتناب از اشتباه در دسته‌بندی برای هر قشر اجتماعی، به تناسب شغل و خواسته‌هایشان، تصمیم‌گیری کرده است. برای مثال، ممکن است یک خواسته مانند «رفع سانسور» برای گروه روزنامه‌نگار، صنفی تلقی شود، در حالی‌که همین موضوع برای کارمندان دولت یا کارگران یک خواست کاملاً سیاسی تلقی شود. یا «برچیدن اداره حراست از محوطه مدارس یا دانشگاه‌ها» برای فرهنگیان صنفی تلقی شده، در حالی‌که همین امر برای سایر قشرها یک مطالبه سیاسی است. پس با توجه به توضیحات بالا باید گفت، یک صنف هم می‌تواند قطعنامه صنفی و هم قطعنامه سیاسی داشته باشد. آن قسمی از مطالبات که به‌طور کامل سیاسی است در بخش قطعنامه‌های سیاسی آمده و آن تعدادی که فقط مطالبات صنفی خاص را نشان می‌دهد در دسته قطعنامه‌های صنفی قرار داده شده است.

قطعنامه‌های سیاسی قطعنامه‌هایی است که صادرکنندگان خواسته‌های خود را فراتر از محدوده‌های صنفی مطرح ساخته و هدفشان به‌طور آشکار خواست سیاسی است. در این قطعنامه‌ها هیچ خواسته صنفی دیده نمی‌شود.

منظور از قطعنامه‌های مختلط قطعنامه‌هایی است که بخشی از آن به خواسته‌های سیاسی و بخشی دیگر به خواسته‌های صنفی اختصاص یافته است. در این قطعنامه‌ها با توجه به شرایط زمانی، سیاسی و مسایل دیگر خواسته‌های سیاسی و صنفی در هم آمیخته است. در تعدادی از آن‌ها خواسته‌های سیاسی و در برخی دیگر صنفی در اولویت قرار گرفته است. در تعدادی این خواسته‌ها چنان در هم آمیخته شده است که نمی‌توان اولویت‌بندی خاصی برای آن‌ها قایل شد.

ت : کارکرد قطعنامه‌ها

مطالعه قطعنامه‌ها از این‌رو ضروری است که حامل «پیام انقلابی» برای مخاطبان است و بر رفتار و دیدگاه آن‌ها تأثیر دارد. قطعنامه‌ها دستکم دو گروه مخاطب دارد و ارزیابی «تأثیر» آن بر مخاطبان دوگانه قابل بررسی است: 1. تأثیر بر حاکمیت: اولین گروهی که تنظیم‌کنندگان قطعنامه‌ها سعی دارند بر دیدگاه و عملکرد آنان تأثیر بگذارند و مواضع فعال و پویای آن‌ها را به

انفعال بکشانند و از قیل آن به خواسته‌های خود برسند، حاکمیت و کارگزاران حکومتی است. این تأثیر از نوع سلبی است، یعنی نوعی تأثیر تهدیدکننده برای حکومت دارد و قصد سست کردن مواضع صاحبان قدرت در قبال مطالبات مردمی از طریق نمایش قدرت دارد. 2. تأثیر بر نیروهای انقلابی: قطعنامه‌ها برآیند و تجمیع خواسته‌ها و مواضع مردم ناراضی از وضع موجود است که در تقویت همبستگی سیاسی و اجتماعی، اقناع فردی و گروهی برای نیل به اهداف جمعی و هماهنگی رفتار و عمل جمعی مؤثر است.

در پایان این بحث تذکر چند نکته ضروری است: انتخاب قطعنامه‌های شش ماهه آخر انقلاب به‌دلیل پیوستگی صدور آن‌هاست. البته در تحولات پیش از این ماه‌ها نیز قطعنامه صادر شده است، اما تعدادشان محدود و پراکنده است. در ابتدای امر، بیشتر اعلامیه و بیانیه صادر می‌شد نه قطعنامه. از این‌رو، نگارنده بر این عقیده است که قطعنامه‌ها

پدیده‌ای مختص دوران توده‌ای شدن انقلاب است. نکته دوم این‌که، در اواخر عمر رژیم پهلوی پدیده جدیدی در قطعنامه‌ها رخ داد، آن‌هم ظهور اسامی و امضای تعدادی از سرشناسان و فعالان است. برای مثال، در قطعنامه وکلای دادگستری همدان (نام 70 نفر)، قطعنامه قضات گرگان (نام 20 نفر)، یا در قطعنامه استادان دانشگاه، هنرمندان، معلمان و حتی دانش‌آموزان نیز دیده می‌شود. این پدیده بیانگر بالا رفتن ضریب امنیتی امضاکنندگان و کاهش خطر سرکوب رژیم است. نکته سوم این‌که، صدور قطعنامه‌ها خود بهانه صدور بیانیه‌ها و اعلامیه‌های متعدد تأییدآمیز از سوی سایر اقشار و گروه‌های اجتماعی می‌شد. همان طوری‌که کشتارها پدیده‌ای تحت عنوان «چهل‌ها» ایجاد کرد و خود آن به تسریع تحولات انقلابی انجامید، صدور قطعنامه‌ها نیز زنجیره‌ای از اعلامیه‌ها و بیانیه‌ها و قطعنامه‌ها به دنبال آورد که به عامل تقویت‌کننده همبستگی سیاسی و اجتماعی اقشار مختلف بدل گشت. برای مثال، قطعنامه راهپیمایی تاسوعا و عاشورا در شهرهای مختلف مورد حمایت اقشار و گروه‌ها قرار گرفت؛ در تهران حداقل ده‌ها بیانیه و اعلامیه در این زمینه صادر شد. از موارد دیگر می‌توان به بیانیه کسبه آمل در حمایت قطعنامه فرهنگیان، بیانیه دانش‌آموزان رفسنجان در تأیید قطعنامه معلمان، بیانیه روحانیون و کسبه مرند (به‌طور مشترک) در حمایت از قطعنامه فرهنگیان این شهر در آذرماه اشاره کرد.

3. روش تحقیق

روش گردآوری این قطعنامه روش تاریخی یا کتابخانه‌ای است که با تفحص در لابه‌لای کتاب‌ها، آرشیوهای مراکز اسناد و روزنامه‌ها جمع‌آوری شده است.

مطالعه قطعنامه‌ها مشکلات خاص خود را دارد، ازجمله عدم دسترسی به صورت کامل و عین سند است و تاکنون نیز جمع‌آوری منقحی از آن‌ها صورت نگرفته تا پژوهشگر با استناد به آن مجموعه به سراغ تحلیل برود. به سخن دیگر، منابع خود را در دسترس همگان جهت ارزیابی و آزمون قرار دهد. حتی آرشیوهای تخصصی انقلاب اسلامی همچون مرکز اسناد انقلاب اسلامی و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام و سازمان مدارک فرهنگی نیز از داشتن پرونده جداگانه قطعنامه‌ها محروم هستند. پژوهشگر می‌باید با بررسی صدها پرونده به صورت اتفاقی چند سند اصلی یا رونوشت کامل قطعنامه پیدا کند. قطعنامه‌های منتشر شده در روزنامه‌ها نیز چنان‌که گفته شد مشکلاتی از قبیل سانسور مواد و یا حذف به‌دلیل ضرورت‌های روزنامه‌نگاری دارد. یا به‌دلیل تکرار مواد چند قطعنامه فقط به چاپ صورت کامل یک سند اکتفا شده در بقیه، موارد متفاوت درج می‌شد. از این‌رو، اغلب قطعنامه‌های چاپ شده در روزنامه‌ها خلاصه شده است. گاهی حذف فقط شامل مقدمه و نتیجه شده و گاهی علاوه بر آن‌ها مواد نیز مشمول این قاعده گردیده است. نگارنده تا آن‌جا که توانسته از استفاده از قطعنامه‌هایی که مشمول حذف مواد شده است خوداری کرده است. مشکل دیگر قطعنامه‌های مندرج در روزنامه‌ها این است که گاهی دست‌اندرکاران روزنامه آن را با انشای خود چاپ می‌کردند بدیهی است در چنین مواردی سلیق سیاسی افراد مسئول نیز بر روند پژوهش دقیق کمی تأثیر می‌گذارد. اما کنار گذاشتن روزنامه‌ها به‌عنوان یک منبع مهم از نظر پژوهشی صحیح نیست. نگارنده برای اجتناب از مشکلات پیش گفته، سعی کرده از قطعنامه‌هایی که تا حدودی شایبه دخل و تصرف در آن‌ها وجود داشته استفاده نکند. این سیاست پژوهشی نیز موجب حذف صدها قطعنامه مندرج در روزنامه‌ها و به تبع آن محدود شدن جامعه آماری این پژوهش گردید.

در مطالعات اجتماعی، سیاسی و تاریخی روش‌های تحلیل متعددی وجود دارد. در این مقاله از روش تحلیل محتوای کمی بهره گرفته شده است.

تحلیل محتوا به دلیل ویژگی کمی‌اش دخالت و غرض‌ورزی را در پژوهش‌های علوم تاریخی، سیاسی و اجتماعی به حداقل ممکن می‌رساند. تحلیل محتوا با توجه به این ویژگی مهم‌اش در اواسط نیمه دوم قرن بیستم مورد توجه محافل علمی و پژوهشی غرب قرار گرفت (رایف، لیسی و فیکو، 1381 : 3 - 36 ؛ باردن، 1375 : 7 - 49).

4. جمعیت آماری

در این پژوهش از 176 قطعنامه بزرگ و کوچک صادر شده در شش ماهه پایانی رژیم پهلوی بهره گرفته شده است که از این تعداد 73 قطعنامه را از آرشیوها و اشخاص به دست آورده که هیچ‌گونه دخل و تصرفی در آنها راه نیافته است. همچنین 32 قطعنامه از کتاب‌های منتشر شده یا زیر چاپ استخراج شده است که دخل و تصرف در مقدمه، متن و نتیجه آن بنا بر تشخیص نگارنده راه نیافته است. بقیه آنها یعنی 71 قطعنامه نیز از روزنامه‌های رسمی سراسری **کیهان** و **کیهان هوایی** از تاریخ مهر تا بهمن 1357 استخراج شده است که دقت زیادی در این راه به خرج داده شد تا قطعنامه‌هایی مورد استفاده قرار گیرد که مواد آنها حذف نشده باشد. باید افزود در این پژوهش فقط از مواد قطعنامه‌هایی که با شماره مشخص بوده، بهره گرفته شده است و نگارنده از مقدمه و نتیجه آنها صرف‌نظر کرده است، زیرا «متن» کانون اصلی قطعنامه‌هاست بقیه فرع بر آنهاست. فهرست روزنامه‌ها، کتاب‌ها و آرشیوهای مورد استفاده در قسمت پایانی مقاله آمده است.

با توجه به توضیحات بالا، می‌توان فراوانی قطعنامه‌ها را به تفکیک ماه‌ها و تعداد مواد آنها در جدول زیر نشان داد.

جدول شماره 1. توزیع فراوانی قطعنامه‌ها بر حسب تاریخ و مواد آنها

ماه / تعداد	تعداد قطعنامه	درصد	حداقل مواد	حداکثر مواد	میانگین
شهریور	15	52/8	6	20	13
مهر	35	89/19	6	28	17
آبان	56	82/31	4	26	15
آذر	18	23/10	5	23	14
دی	22	50/12	4	20	12
بهمن	30	04/17	4	12	8
جمع کل	176	100	83/	21/5	16/

همان‌طور که جدول شماره (1) نشان می‌دهد، در سه ماهه اول تعداد قطع‌نامه‌ها روند صعودی دارند. از علل آن می‌توان به حوادث خونین شهریور، سیاست آشتی ملی دولت شریف‌امامی و عقب‌نشینی رژیم در قبال مردم، گشایش مدارس و دانشگاه‌ها، تغییر محل تبعید امام از عراق به فرانسه اشاره کرد که به افزایش اعتصابات دامن زد.

در آذرماه به‌طور محسوس تعداد قطع‌نامه‌ها کاهش یافته است. علل آن مربوط به کاهش تعداد تظاهرات و اعتصابات در این ماه نیست، بلکه دلیل آن روی کارآمدن دولت نظامی، اعمال سانسور بر مطبوعات و پیوستن آن‌ها به اعتصابات سراسری و عدم انتشار روزنامه‌ها، تشدید مبارزات خیابانی بین مردم و نظامیان بود. خونین‌ترین درگیری‌های خیابانی در این ماه اتفاق افتاد، به‌ویژه در دهه اول محرم این تحولات به اوج خود رسید.

ناکامی دولت نظامی در مهار بحران سبب شد تا شاه به‌دنبال دولت جایگزین باشد، اقدامات پنهان و آشکار شاه در این برهه تیر خلاص بر پیکر فرسوده دولت ازاریزد. تظاهرات اربعین حسینی و اعلام خروج شاه از کشور، اعلام ورود قریب‌الوقوع امام به ایران، ازهم گسستن شیرازه انضباط ارتش و عدم همکاری جدی ارتش با بختیار ازجمله عوامل تسریع بخش تحولات انقلابی بود که به اوج‌گیری مجدد انقلاب و افزایش معنا دار قطع‌نامه‌ها انجامید.

تعداد مواد قطع‌نامه‌ها نیز سیر معناداری را نشان می‌دهد. از آذرماه تعداد مواد قطع‌نامه‌ها رو به کاهش نهاده است. این سیر برآیند دگرگونی در محتوای خواست‌ها و مواضع مبارزان است. به این معنی که خواست مردم از جزیی‌نگری صنفی به کلی‌نگری سیاسی و از گروه‌گرایی به وطن‌خواهی و آرمان‌گرایی سیاسی در حال دگرگونی است. به سخن دیگر، در سه ماهه اول منافع گروهی و صنفی در کانون خواست‌ها قرار دارد، اما در سه ماهه دوم منافع ملت و کشور به صورت جدی مطرح می‌شود. هر چه از منافع گروهی به منافع ملی تغییر یافته میانگین مواد قطع‌نامه‌ها نیز سیر نزولی پیدا کرده است.

نکته دیگر، پراکندگی جغرافیایی صادرکنندگان قطع‌نامه‌هاست. هرچند این بررسی خود نیازمند مطالعات گسترده برای نشان دادن نوع نگرش استان‌های مختلف کشور و سراسری بودن خواسته‌های انقلاب ضروری است، اما عجالتاً در این‌جا بدون هرگونه توضیح و تفسیری به شهر صادرکننده و فراوانی آن‌ها اشاره می‌شود. تهران (75 قطع‌نامه یا 42/60 درصد)، اهواز (8 قطع‌نامه یا 4/55 درصد)، تبریز (5 قطع‌نامه یا 2/84 درصد)، رفسنجان، مشهد و آبادان هرکدام (4 قطع‌نامه یا 1/70 درصد)، یزد، بندرعباس، قزوین، اصفهان هرکدام (3 قطع‌نامه یا 1/70 درصد)، قصرشیرین، همدان، شیراز، بهشهر، سیرجان و مرند هرکدام (2 قطع‌نامه یا 1/36 درصد)، شهرهای بانه، اردکان، سردشت، ساوجبلاغ، رشت، رضاییه (ارومیه)، میاندوآب، سیاهکل، نهاوند، گرگان، دزفول، بروجرد، بجنورد، قم، شاهرود، شهربابک، مهاباد، فسا، اقلید، خرم‌آباد، سراب، توسیرکان، دورود، بابل، زاهدان، بهارهمدان، سقز، میانه هرکدام (1 قطع‌نامه یا 0/56 درصد). در چند مورد به جای نام شهر نام استان به شرح زیر آمده است: آذربایجان (2 قطع‌نامه)، مازندران و خوزستان هرکدام (1 قطع‌نامه). از میان جامعه آماری این مقاله 20 قطع‌نامه (11/36 درصد) نیز فاقد نام شهر است. باید گفت

تعداد فراوانی قطعنامه‌های مربوط به یک شهر به معنای انقلابی بودن بیشتر آن شهر نیست.

5 . قطعنامه‌ها براساس قشرهای اجتماعی

قطعنامه‌های گردآوری شده با توجه به قشر و صنف اجتماعی به پنج دسته زیر تقسیم شده است: 1 . کارمندان دولت، 2 . فرهنگیان (استادان دانشگاه، معلمان، دانشجویان، دانش‌آموزان)، 3 . کارگران و کارکنان شرکت‌ها و کارخانجات، 4 . روحانیان، 5 . قشر عمومی (منظور از قشر عمومی قشری است که از تمام قشرها و صنفها در آن حضور دارند و قطعنامه‌های مهمی نیز منتشر کرده‌اند، اما ماهیت و ویژگی اصلی اینها فراقشری بودن آن است. با توجه به اهمیت این قطعنامه‌ها به‌ویژه در ماه‌های پایانی انقلاب چشم‌پوشی از آنها به بهانه عدم تعلق به قشر خاصی محروم ساختن پژوهش از منابع مهم و نادیده انگاشتن پدیده قطعنامه‌های عمومی است. از اینرو قطعنامه‌های توده مردم تحت عنوان قشر عمومی بررسی خواهد شد).

دلیل این تقسیم‌بندی به‌خاطر ماهیت و محتوای قطعنامه‌ها و نزدیکی دغدغه‌های هر یک از این دسته‌ها به یکدیگر است. در این دسته‌بندی قشر مهم و تأثیرگذار بازاری نیامده است، دلیلش نیز عدم انعکاس قطعنامه‌های مستقل این قشر در روزنامه‌هاست. به سخن دیگر، در جامعه آماری 176 موردی هیچ قطعنامه‌ای متعلق به بازاریان دیده نمی‌شود. البته این به معنای انکار نقش سیاسی و اهمیت بازاریان در پیروزی نیست. می‌توان گفت یا قطعنامه‌های بازاریان به صورت مستقل در روزنامه‌ها به دلایل نامشخص نیامده است. این احتمال با توجه به موقعیت اقتصادی و سیاسی آنها در تحولات و انعکاس گسترده اعتصاب بازاریان در جراید ضعیف به‌نظر می‌رسد. باید اضافه کرد که وقتی بازاریان رفتارهای اعتراضی مستقل از خود نشان دادند از طریق ابزارهای دیگر، همچون تأمین هزینه مجالس سخنرانی، چاپ اعلامیه اقدام می‌کردند. احتمال دوم آن است که تکاپوی آنها در همبستگی با سایر قشرها مثل روحانیان، کارکنان شرکت‌ها، کارمندان دولت و قطعنامه‌های عمومی انعکاس یافته است. بازاریان مذهبی خود را تابع و مطیع روحانیان می‌دانستند و این امر رفتار سیاسی مستقل را از آنها سلب می‌کرد. شاید محافظه‌کاری یا احتیاط ناشی از داشتن سرمایه نیز کمک می‌کرد تا آنها خود را به یک کانون قدرت نزدیک نمایند. دیگر اینکه بین علما و بازاریان از قدیم روابط خاصی وجود داشته است. این روابط به صورت پرداخت وجوه شرعی بازاریان به علما و پاک نمودن اموال و سرمایه بازاریان توسط عالمان بوده است. پس می‌توان گفت بازاریان مذهبی به‌دلیل تبعیت از رهبری علما از شیوه رفتاری آنها تقلید می‌کردند و سعی داشتند خود را نه به صورت قشر مستقل بلکه جزئی از توده مردم قلمداد نمایند. جدول توزیع فراوانی قطعنامه قشرهای اجتماعی به شرح زیر است:

جدول شماره 2 . توزیع فراوانی قطعنامه‌ها برحسب گروه‌ها و قشرهای مختلف اجتماعی

قشر زمان	سه ماه اول	درصد	سه ماه دوم	درصد	جمع	درصد

33/52	59	37/14	26	31/13	33	کارمندان دولت
31/82	56	11/43	8	45/28	48	فرهنگیان
12/50	22	8/57	6	15/09	16	کارگران و کارکنان شرکتهای
1/14	2	2/86	2	0	0	روحانیان
21/02	37	40	28	8/50	9	قشر عمومی
100	176	100	70	100	106	جمع

تفاوت فاحش تعداد قطعنامه‌های روحانیان با سایر قشرها قابل تأمل است. در این زمینه چند نکته قابل تأمل وجود دارد. اول اینکه، در بین عالمان نوعی سلسله‌مراتب وجود داشت که این امر نوعی رفتار نخبه‌گرایانه بر این قشر تحمیل می‌ساخت. یعنی حضور مراجع عظام و روحانیان بلندمرتبه حوزه قم، تهران و مشهد رفتار سیاسی عالمان سایر شهرها را تحت ضابطه خاص در آورده بود. هرچند اختلاف نظر و سلیقه سیاسی در بین عالمان این سه شهر مهم کم نبود، اما بدنه هرم عالمان پیرو مرجعیت مستقر در شهرهای فوق بود. صدور اعلامیه، بیانیه، سخنرانی و مصاحبه مراجع فصل‌الخطاب تلقی می‌شد. بسیاری از مواقع بدنه هرم خود را مستغنی از موضع‌گیری می‌دید. از سوی دیگر، نوع رابطه عالمان با مردم سبب می‌شد تا بدنه هرم رفتار سیاسی خود را با توده‌ها همراه نماید. البته توده‌های مردم نیز به دلیل روابط خود با روحانیت در تجمعات آنها شرکت می‌کردند، به قولی عالمان را در صحنه مبارزه تنها نمی‌گذاشتند. تعداد معدود آنها در شهرها و تنوع گرایش سیاسی و تلاش برای به راه انداختن حرکت توده‌ای نیز در عدم تجمیع صنفی آنها و صدور کم قطعنامه مؤثر بوده است. دیگر اینکه، روحانیون اغلب از قالب‌های سنتی اعتراض مانند صدور بیانیه، اعلامیه، سخنرانی و سایر اشکال بهره می‌بردند. قطعنامه که از ابزارهای نوین اعتراض است کمتر استفاده کردند.

اما سه قشر دیگر، یعنی فرهنگیان، کارمندان دولت، کارگران و کارکنان شرکتهای، وضع کاملاً متفاوتی با دو قشر بالا داشتند. دو قشر فرهنگیان و کارمندان دولت کارگزاران علمی و اجرایی بازوهای رژیم بودند. اینها از انسجام نسبتاً مناسب و سطح آگاهی سیاسی و تحصیلات برخوردار بودند. قشر کارگران و کارکنان شرکتهای از نظر تحصیلات و شئون اجتماعی تا حدودی ناهمگون بود این قشر از کارگران تا مهندسان را در بر گرفته بود.

تعداد قطعنامه‌های فرهنگیان در سه ماهه اول بالاترین فراوانی و درصد را به خود اختصاص داده است. دلیل افزایش بسیار زیاد آن، شروع کلاسهای درس در مهرماه است. این قشر در تعطیلات تابستانی همبستگی شغلی و به تبع آن همبستگی سیاسی خود را به‌طور موقت از دست می‌دادند. تعطیلات آنان را از عمل جمعی باز می‌داشت. با آغاز مدارس همبستگی آنان بار دیگر برقرار می‌شد. شروع مدارس و دانشگاه‌ها یک گروه تحصیل‌کرده، جوان و آگاه به مسایل سیاسی را وارد صحنه انقلاب کرد و آنان توانستند توانمندی‌های خود را به منصفه ظهور برسانند. گسترش تظاهرات نشان داد که شروع مدارس و دانشگاه‌ها یک اشتباه استراتژیک از سوی رژیم است. با ادامه وضعیت بحرانی بار دیگر مدارس و دانشگاه‌ها به اعتصاب سراسری پیوستند و انقلاب وارد مرحله توده‌ای خود شد و به تبع آن همبستگی شغلی و عمل جمعی فرهنگیان در قالب یک گروه کاهش یافت. این روند کاهش خود را در

فراوانی سه ماهه دوم (از 27/27 درصد به 4/54 درصد) کاملاً خود را نشان می‌دهد. به دنبال این کاهش، می‌باید منتظر کاهش اعتصابات و تظاهراتها می‌شدیم. اما باید گفت در این سه ماهه اعتصابات از قاعده پیشین تبعیت نکرد و با کاهش روند همبستگی شغلی، تظاهراتها کماکان روند فزاینده‌ای را نشان می‌دهد، زیرا تعطیلی نهادهای آموزشی جوانان را به بستوی خانه‌ها نراند بلکه همچنان آنان را در خیابان‌ها به علامت اعتراض نگه داشت.

البته، باید گفت آهنگ نزولی شاخصها به جز قطعنامه‌های عمومی در جدول فوق دیده می‌شود. این روند در نزد کارمندان دولت و کارکنان شرکتها سیر آهسته‌تری پیدا کرد. به ویژه تعداد قطعنامه‌های کارمندان دولت کاهش محسوسی به خود ندیده است، شاید دلیل آن سیاست اجبارآمیز دولت برای حفظ کارمندان بر سر کارشان بود، یعنی با این سیاست رژیم ناخواسته به تداوم بحران دامن زد. با توده‌ای شدن انقلاب تظاهراتهای بزرگی چون تظاهرات تاسوعا و عاشورا، اربعین و اوایل بهمن روی داد. با گسترش تظاهرات و توده‌ای شدن انقلاب قطعنامه‌های عمومی روند فزاینده‌ای (از 5/11 به 15/90 درصد) را نشان می‌دهد. این روند نشان می‌دهد تظاهرات از دایره فعالیت محدود گروهی، حزبی و سازمانی خارج شده و جنبه عمومی یا توده‌ای پیدا کرده است.

6. یافته‌های تحقیق

الف: مواد اول قطعنامه به زبان آمار

در این بخش، یافته‌های تحقیق به زبان آمار ارایه می‌شود. بررسی قطعنامه‌ها نشان می‌دهد هرچه پیروزی انقلاب نزدیک می‌شد، از تعداد مواد صنفی کاسته شده و به تعداد مواد سیاسی افزوده شده است. خواسته‌های سیاسی نیز از انتها یا اواسط قطعنامه‌ها به مواد آغازین تغییر محل می‌دهند. البته این روند کلی است و گرنه می‌توان به معدود مواردی نیز اشاره کرد که کماکان خواسته‌های صنفی در اولویت قرار گرفته‌اند.

جواب به این پرسش که آیا قرار گرفتن مواد در سطور آغازین به معنای اولویت دادن به این خواسته‌هاست؟ قابل مناقشه است. اما نگارنده بر این عقیده است که تعداد مواد اختصاص‌یافته، نحوه و محل درج آن‌ها همه بیانگر نوع نگرش صادرکنندگان قطعنامه‌ها است. به این معنی که هرگاه در ذهنیت فاعلان خواسته‌های سیاسی پررنگ و پراهمیت بوده، همان نظم ذهنی نیز در عرصه قلم و بیان پیاده شده است. مگر این‌که فاعلان به دلیل محافظه‌کاری سعی در پنهان ساختن خواسته‌های اصلی خود در لابه‌لای خواسته‌های صنفی باشند.

با مفروض انگاشتن این مسئله که در قطعنامه‌ها مواد اول مهم‌ترین دغدغه صادرکنندگان و دست‌اندرکاران امور است، می‌توان از زاویه دیگری نیز به قطعنامه‌ها نگریست. بدیهی است این فرض نقدپذیر است، اما واقعیت آن است که تقدم و تأخر به نوعی بیانگر میزان دغدغه افراد نیز می‌باشد. براساس جدول‌های شماره 3 و 4 در دو ماهه اول 46 (46/40) قطعنامه مختلط و در دوره دوم 7 قطعنامه (10 درصد) مختلط صادر شده است. بدیهی است تقدم و تأخر مواد در قطعنامه‌ها صرفاً سیاسی و صنفی از ارزش و اعتبار کمتری از قطعنامه‌های مختلط برخوردار است. براساس آمار موجود از میان 46 قطعنامه مختلط، در بیش از 25 واحد یا 54/35 درصد خواسته‌های سیاسی در اولویت‌های نخست گنجانده شده است. هر چه به روزهای پایانی سه ماهه اول نزدیک می‌شد و انقلاب سرعت و گسترش بیشتری پیدا می‌کرد، مواد سیاسی از قسمت

میانی و پایانی به قسمت آغازین تغییر محل می‌داد. نکته دیگر، افزایش کمی مواد سیاسی نسبت به مواد صنفی است، به طوری که در اواسط آبان‌ماه بیشتر مواد از صنفی به سیاسی تغییر یافته است.

جدول شماره (3) ماده اول قطعنامه‌های مختلط و توزیع فراوانی آنها را نشان می‌دهد. چنان که مشاهده می‌شود پنج خواسته مهم قطعنامه‌ها براساس بالاترین درصد عبارت است از: «رعایت آزادی و حقوق بشر»، «لغو حکومت نظامی»، «اجرای قانون اساسی»، «اعلام همبستگی با مبارزات مردمی»، «اخراج مستشاران خارجی». به دلیل کمی جامعه آماری قطعنامه‌های سه ماهه دوم نمی‌توان قضاوت بنیادین انجام داد. اما از همین تعداد کم نیز چنین برمی‌آید که چهار مورد از این خواسته‌ها در سه ماهه دوم نیز تکرار شده

است.

جدول شماره 3 . توزیع فراوانی خواسته‌های مردم در قالب مواد مندرج در قطعنامه‌ها

مواد اول زمان	سه ماهه اول	درصد	سه ماهه دوم	درصد	جمع	درصد
تشکیل انجمن معلمان	2	4/44	0		2	3/92
رفع محدودیت از امام خمینی	2	4/44	0		2	3/92
درخواست بازگشت امام خمینی	1	2/22	1	16/67	2	3/92
لغو حکومت نظامی	10	22/22	0		10	19/61
رعایت آزادی وحقوق بشر	12	26/68	0		12	23/54
انتخاب رییس دانشگاه	1	2/22	0		1	1/96
اخراج مستشاران خارجی	2	4/44	1	16/67	3	5/89
انحلال حفاظت ادارات	1	2/22	0		1	1/96
اعلام همبستگی با مبارزات مردمی	2	4/44	2	33/33	4	7/84
اعلام انزجار و محکوم کردن کشتارها	1	2/22	1	16/67	2	3/92

9/80	5		0	11/12	5	اجرای قانون اساسی
3/92	2		0	4/44	2	آزادی زندانیان سیاسی
3/92	2		0	4/44	2	تغییر مدیر عامل شرکت ها و ادارات
1/96	1		0	2/22	1	اخراج نیروهای امنیتی و نظامی از مراکز آموزشی
1/96	1		0	2/22	1	مشکل مسکن
1/96	1	16/67	1	0	0	اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت
100	51	100	6	100	45	جمع

جدول شماره (4) مواد اول قطعنامه‌های سیاسی در سه ماهه اول و دوم را نشان می‌دهد. جدول شماره 4، نوعی تعادل موجود بین خواسته‌های ایجابی و سلبی را نشان می‌دهد. کانونی‌ترین محور خواسته‌های ایجابی و سلبی را می‌توان در چند محور «تأکید بر رهبری امام خمینی» و «برچیدن نظام سلطنتی»، «برکناری دولت و انحلال مجلسین» و «حمایت از دولت موقت»، «لغو قوانین ضد اسلامی» و «تشکیل حکومت اسلامی» یا «جمهوری اسلامی» به‌وضوح نشان داد. از محورهای مهم «رهبری امام» با کسب 40/29 درصد «برچیدن نظام سلطنتی» با 21/82 درصد و «محکوم ساختن کشتارها» با 17/16 درصد بالاترین جایگاه را در میان ماده اولی‌ها به خود اختصاص داده است که بیانگر خواسته‌های عمده انقلابیون بوده است.

جدول شماره 4. فراوانی مواد اول قطعنامه‌ها

درصد	سه ماهه دوم	مواد اول زمان	درصد	سه ماهه اول	مواد اول زمان
21/82	12	برچیدن نظام سلطنتی	6/25	2	رفع سانسور
20	11	تأکید بر رهبری امام خمینی	3/13	1	تأکید بر رهبری امام
10/91	6	مراجعت امام خمینی	6/25	2	مراجعت امام خمینی
9/08	5	برکناری دولت و انحلال	3/13	1	انحلال ساواک

		مجلسین			
1/82	1	طرفداری از انقلاب بدون خونریزی	6/25	2	لغو قوانین ضد اسلامی
5/45	3	تشکیل حکومت اسلامی	3/13	1	تلاش برای شکوفایی تمدن اسلامی
1/82	1	تشکیل حکومت ملی	37/49	12	لغو حکومت نظامی
1/82	1	تأکید بر کمک به خانواده شهادا	3/13	1	استقلال قوه قضاییه
1/82	1	تأکید بر ادامه اعتصاب	3/13	1	رفع تبعیض از ادارات
10/91	6	اعلام تنفر از کشتارهای رژیم و خواهان مجازات عاملان آن	6/25	2	محکم کردن کشتار مردم توسط رژیم
3/64	2	اجرای قانون اساسی	9/36	3	اجرای قانون اساسی
1/82	1	آزادی زندانیان سیاسی	3/13	1	آزادی زندانیان سیاسی
5/45	3	تأکید بر مبارزه برای تشکیل جمهوری اسلامی	3/13	1	همبستگی با روحانیت
3/64	2	حمایت از دولت موقت	6/24	2	عزل استاندار و دیگر مقامات
100	55	جمع	100	32	جمع

ب : تحلیل کمی قطعنامه‌های صنفی، سیاسی و مختلط

همان‌طور که قبلاً گفته شد، قطعنامه‌ها را از نظر محتوا به سه دسته صنفی، سیاسی و مختلط تقسیم شده است. هرکدام از این دسته در برگزیده بخشی از خواسته‌های توده‌های انقلابی بود. جدول شماره (5)

توزیع فراوانی دسته‌بندی سه‌گانه قطعنامه‌ها را براساس قشرها در سه ماهه اول در زیر نشان می‌دهد.

جدول شماره (6) توزیع فراوانی دسته‌بندی سه‌گانه قطعنامه‌ها را براساس قشرها در سه ماهه دوم در زیر نشان می‌دهد.

جدول شماره 5. توزیع فراوانی قطعنامه‌ها بر حسب نوع آن‌ها در میان گروه‌ها و قشرهای مختلف در سه ماهه اول

قشر نوع	صنف ی	درصد	سیاس ی	درصد	مختل ط	درصد	جم ع	درصد
کارمندان دولت	16	33/53	5	67/16	12	9/26	33	13/31
فرهنگیان	3	10	18	60	27	79/58	48	29/45
کارگزاران و کارکنان شرکتها	11	67/36	1	3/33	4	8/70	16	9/15
روحانیان	0	0	0	0	0	0	0	0
قشر عمومی	0	0	6	20	3	6/51	9	8/49
جمع	30		30		46	100	106	100

جدول شماره 6. توزیع فراوانی قطعنامه‌ها بر حسب نوع آن‌ها در میان گروه‌ها و قشرهای مختلف در سه ماهه دوم

قشر نوع	صنف ی	درصد	سیاس ی	درصد	مختل ط	درصد	جم ع	درصد
کارمندان دولت	5	33/83	17	82/29	4	14/57	26	14/37
فرهنگیان	0	0	8	4/14	0	0	8	43/11
کارگزاران و کارکنان	1	67/13	2	3/51	3	86/42	6	8/57

								ان شرکتها
2/86	2	0	0	3/51	2	0	0	روحانید ان
40	28	0	0	12/49	28	0	0	قشر
100	70	100	7		57	100	6	جمع

مقایسه دو جدول شماره 5 و 6 نشان می‌دهد که در سه ماهه اول خواسته‌های سیاسی و صنفی هرکدام با کسب 28/30 درصد از فراوانی از اهمیت و اولویت برابری برخوردار است. اما در نزد قشرها این آمار متفاوت است. کارمندان دولت با 15/09 ، کارگران و کارکنان شرکتها با 10/38 درصد، فرهنگیان با 2/83 درصد، روحانیان و قشر عمومی با صفر درصد از نظر رتبه‌بندی خواسته‌های صنفی قرار می‌گیرند.

اما در سه ماهه دوم در یک دگرگونی اساسی، تعداد قطع‌نامه‌های سیاسی افزایش قابل ملاحظه پیدا کرد (81/42 درصد) و به تبع آن خواسته‌های صنفی کاهش یافت (9/57 درصد). این نسبت در مورد قطع‌نامه‌های مختلط نیز صدق می‌کند، به این معنی که قطع‌نامه‌های مختلط که در سه ماهه اول با کسب 43/40 درصد بالاترین فراوانی را به خود اختصاص داده بود در سه ماهه دوم با کسب 7 درصد پایین‌ترین رتبه را به دست آورده است. دلیل اصلی افزایش چند برابر خواسته‌های سیاسی در سه ماهه دوم را می‌توان ناشی از موفقیت انقلابیون، تزلزل بیش از پیش رژیم و ظهور علایم سقوط آن دانست.

پ : تحلیل کمی خواسته‌های صنفی

در هر جنبش بخشی از نارضایتی برخاسته از نیازهای مادی است. به دنبال پیدایش آگاهی، طلب موقعیت اقتصادی و شغلی بهتر و امن‌تر نیز افزایش پیدا می‌کند. و بین افزایش آگاهی و افزایش مطالبات رابطه معناداری ایجاد می‌شود (گر، 1378).

به منظور تحلیل خواسته‌های صنفی، آن‌ها به 17 محور، که بیشترین کاربرد را در قطع‌نامه‌ها دارند، تقسیم شده است تا نوع خواسته‌های صنفی و فراوانی آن به دست آید. با توجه به نگارش‌ها و انشای گوناگون قطع‌نامه‌ها، نگارنده گهگاه مجبور شده چند خواسته مشابه را در یک محور جمع نماید تا اولاً از آشفتگی‌های نگارشی دور شده؛ دوم این‌که تحلیل عینی از نوع خواسته‌ها به دست داده باشد. آن دسته از خواسته‌ها که در هیچ‌کدام از این محورها قابلیت جمع شدن نداشتند در محوری دیگر تحت عنوان «متفرقه» آورده شده است.

در سه ماهه اول 8 خواسته مهم به ترتیب درصد کسب کرده به شرح زیر در جدول شماره (7) نمایش داده می‌شود. «فوق‌العاده شغل» (89 واحد یا 18/20 درصد)، «افزایش حقوق و دستمزدها» (57 واحد یا 11/67 درصد)، «وضع و اصلاح قوانین و مقررات شغلی» (45 واحد یا 9/20 درصد)، «پرداخت حق مسکن» (45 واحد یا 9/20 درصد)، «تشکیل کانون‌ها، سندیکاها و شورای مردمی در ادارات» (33 واحد یا 6/75 درصد)، «پرداخت وام‌های ضروری» (24 واحد یا 4/90 درصد)، «تبدیل وضعیت

کارکنان» (23 واحد یا 4/70 درصد)، «کاهش ساعات کار و افزایش مرخصی‌ها» (22 واحد یا 4/50 درصد).

این معادله در سه ماهه دوم، که با گسترش تظاهراتها و اعتصابات همراه بود و بنیان‌های رژیم بیش از پیش متزلزل نشان می‌داد، تغییر قابل توجهی یافت. در این دگرگونی، خواسته‌های اساسی‌تر بار دیگر تکرار گردید. هرچند در سه ماهه دوم تعداد فراوانی کاهش زیادی را نشان می‌دهد اما از 8 خواسته مهم سه ماهه اول 5 خواسته با تغییراتی در فراوانی و درصد آن تکرار شده است. «وضع و اصلاح قوانین و مقررات شغلی» (7 واحد یا 25 درصد)، «پرداخت حق مسکن» (4 واحد یا 14/29 درصد)، تشکیل کانون‌ها، سندیکاها و شورایی مردمی در ادارات» (3 واحد یا 10/71 درصد)، «کاهش ساعات کار و افزایش مرخصی‌ها»، «پرداخت وام‌های ضروری» هرکدام با یک واحد یا 3/57 درصد از آن‌جمله است. در سه ماهه دوم دو خواسته دیگر نیز جمع فهرست پنج‌گانه افزوده شده است. آن دو عبارت است از «تغییر مدیریت» (3 واحد یا 10/71 درصد) و «اصلاح متون و کتب درسی» (1 واحد یا 3/57 درصد). به‌نظر می‌رسد، تظاهرات سه ماهه اول ناکارآمدی رژیم را در برآورده ساختن خواسته‌های مادی با یأس مواجه ساخت. از این‌رو، دگرگونی پدید آمده از فراوانی خواسته‌های صنفی به‌شدت کاسته شده است.

آمار فوق نشان می‌دهد که در دیدگاه مردم تغییر معطوف به وضع و اصلاح قوانین و مقررات و تغییر مدیریت، تشکیل شوراهای بوده است. به سخن دیگر، ناکارآمدی قوانین و ناکارآمدی مدیریت‌ها به همراه سایر موارد به بحران انجامیده است. ذکرکردنی است که انقلابیون تشکیل شوراهای و سندیکای شغلی را یکی از راهکارهای جلوگیری از استبداد در سطوح مختلف تلقی می‌کردند. زیرا هر چه مشارکت قشرهای فرودست در تصمیم‌گیری‌های فرادستان افزایش یابد به همان نسبت از تهیه، تدوین و اجرای قوانین ضد فقرا و کارگران جلوگیری می‌شود. درواقع، می‌توان گفت تشکیل شوراهای مواجهه نهادهای مردمی با نهادهای دولتی و یا نهادهای تحت حمایت دولتی است. اما تشکیل این‌گونه نهادها مستلزم ساز و کارهای خاص ازجمله وجود آزادی‌های سیاسی مانند آزادی بیان، آزادی اجتماع و احزاب است. یعنی بدون وجود چنین آزادی‌ها امکان شکل‌گیری شوراهای نیز منتفع است. جدول شماره (7) مطالبات صنفی را در دو دوره نشان می‌دهد:

جدول شماره (7) نشان می‌دهد که از کل مطالبات صنفی 94/58 درصد در سه ماهه اول و تنها 5/42 درصد آن در سه ماهه دوم مطرح شده است. کاهش 89 درصدی مطالبات صنفی در سه ماهه دوم بیانگر این نکته است که مردم به این مهم آگاه شده بودند که بقای رژیم با مشکلات فراوانی روبه‌رو است، احتمال پیروزی انقلابیون بیشتر و به همان نسبت احتمال خطر کاهش یافته است. در چنین مرحله‌ای است که مردم به جای طرح خواسته‌های جزئی و صنفی به مطالبات سیاسی رو آوردند.

ت : تحلیل کمی خواسته‌های سیاسی

بررسی خواسته‌های سیاسی قطع‌نامه‌ها می‌تواند پاسخی مستند و تجربی به برخی دیدگاه‌ها و نظریات پیرامون علل پدیداری انقلاب اسلامی بدهد، به‌خصوص پاسخی مستند به دیدگاه‌هایی خواهد بود که معتقدند دلیل اصلی انقلاب و مخالفت مردم با رژیم علل

جدول شماره 7 . توزیع فراوانی خواسته‌های صنفی در مواد قطع‌نامه‌ها

سه	درصد	سه	درصد	جم	درصد
----	------	----	------	----	------

نوع زمان	خواسته	ما ه او ل	ما ه دو م	ع	
پرداخت حق مسکن	45	20	4	49	48 9
افزایش حقوق و دستمزدها	57	67	7	57	02 11
وضع و اصلاح قوانین شغلی	45	20	0	52	05 10
فوق العاده شغل	89	20	3	89	21 17
کاهش مالیات ها	17	48	00	17	29 3
تغییر مدیریت	13	2/6	3	16	09 3
بی توجهی عدم اجرای وعدهها	14	87	0	14	71 2
ایجاد کار	8	63	0	8	55 1
گرانی کالاها و خدمات	7	43	0	7	35 1
کاهش ساعات کار و افزایش مرخصی ها	22	50	1	23	49 4
اجرای فوق برنامه مناسب و حذف برنامه های نادرست	11	25	0	11	13 2
تشکیل کانونها، سندیکاهای او شورای مردمی در ادارات	33	75	3	35	77 6
اصلاح متون و کتب درسی	8	63	1	9	74 1
رسیدگی به بازنشستگان امور	11	25	0	11	13 2
پرداخت وام های ضروری	24	90	1	25	83 4
تبدیل وضعیت کارکنان	23	70	0	23	45 4
متفرقه	62	68	8	71	37 1
جمع	48	100	28	51	100

	7			9	
--	----------	--	--	----------	--

اقتصادي است. در حالی که جدول شماره (7) نشان می‌دهد خواسته‌های صنفی و اقتصادی جایگاه بالایی در میان کل خواسته‌ها ندارد. براساس نتایج برآمده از این قطع‌نامه‌ها مطالبات سیاسی اعتبار و ارزش زیادی در نزد انقلابیون دارد.

در این راستا، مطالبات سیاسی به دو دسته مطالبات سلبی و ایجابی تقسیم شده است. نگارنده برای سنجش کمی این دسته از مطالبات در مرحله اول با استخراج برخی واژه‌ها و مفاهیمی که فی‌نفسه واجد ویژگی سلبی یا ایجابی است، استخراج شده و در جدول جداگانه آن را به زبان آمار ارائه می‌دهد. در این مرحله هدف نگارنده فقط تحلیل محتوا براساس واحد مشاهده «واژه» یا «مفهوم» است تا نشان دهد که تفاوت‌های محسوسی در بین قطع‌نامه‌های دو دوره از حیث استفاده از واژه‌ها دیده می‌شود.

جدول شماره (8) نشان می‌دهد که در سه ماهه اول بیشتر واژه‌ها سلبی است و در سه ماهه دوم کاربرد واژه سلبی به‌طور محسوسی کاهش می‌یابد و جای آن را واژه‌های ایجابی می‌گیرد (جدول شماره 9).

جدول شماره 8 : واژه‌های سلبی در قطع‌نامه‌ها

واژه سلبی زمان	سه ماه اول	درصد	سه ماه دوم	درصد	جمع	درصد
انحلال	44	9/28	14	6/06	58	8/23
رفع	30	6/33	5	2/16	35	4/96
اخراج	61	87/12	6	2/60	67	9/50
لغو و حذف	98	67/20	10	4/33	108	32/15
عدم مشارکت	10	2/11	0	0	10	1/42
برچیدن	7	1/48	20	8/66	27	3/83
تبعیض	31	6/54	3	1/30	34	4/82
فساد	7	1/48	12	5/20	19	2/70
برکناری و استعفاء	19	4/01	25	82/10	44	6/24
تعقیب، محاکمه و مجازات	70	77/14	7	3/03	77	92/10
جلوگیری	36	7/59	12	5/20	48	6/81

2/70	19	0	0	4/01	19	عدم دخالت
2/70	19	1/30	3	3/37	16	تغییر
1/98	14	2/16	5	1/91	9	سانسور
/50	74	/30	70	./84	4	غیرقانونی
10		30				
7/38	52	/88	39	2/74	13	اعلام انزجار
		16				
100	70	231	23	100	47	جمع
	5		1		4	

با توجه به تعداد مواد قطعنامه‌های سه ماهه اول 920 ماده (490 ماده صنفی + 430 ماه سیاسی) و قطعنامه‌های سه ماهه دوم با 466 ماده (440 ماده سیاسی + 26 ماده صنفی)، واژه‌های سلبی در این دو مقطع مقایسه شده نتایج ارزشمندی را نشان می‌دهد. از واژه‌های 16 گانه تنها 6 واژه («برچیدن»، «فساد»، «برکناری»، «سانسور»، «اعلام انزجار» و «غیر قانونی» افزایش نشان می‌دهد. در دو ماده اخیر افزایش بسیار قابل توجه بوده است. به طوری که واژه «غیر قانونی» در سه ماهه اول پایین‌ترین فراوانی (4) و درصد (0/84) و در سه ماهه دوم بالاترین فراوانی (70) و درصد (30/30) را به خود اختصاص داده است. می‌توان گفت به کارگیری واژگان سلبی در این دو مقطع روند نزولی داشته است. جدول شماره (9) به خوبی نشان می‌دهد که با کاهش واژگان سلبی چه واژگان یا ادبیات سیاسی جای آن را می‌گیرد.

جدول شماره 9 : واژه‌های ایجابی در قطعنامه‌ها

واژه های ایجابی زمان	سه ماه اول	درصد	سه ماه دوم	درصد	جمع	درصد
آزادی	114	28/78	77	23/33	191	26/32
استقلال	15	3/78	19	5/77	34	4/68
تامین وتضمین امنیت	33	8/31	6	1/82	39	5/38
تشکیل	31	7/81	30	9/10	61	8/41
افزایش	14	3/53	0	0	14	1/94
اجراء	24	6/05	4	1/21	28	3/86
اعاده حيثيت	19	4/79	1	0/30	20	2/76
انتخاب	18	4/53	14	4/24	32	4/41

13/77	100	26/06	86	3/53	14	همبستگی با نهضت
8/82	64	8/48	28	9/07	36	ایجاد
5/65	41	6/97	23	4/53	18	برقراري
7/44	54	3/63	12	10/58	42	بازگشت
2/76	20	4/55	15	10/26	5	عدالت
2/21	16	2/12	7	2/27	9	مشارکت
1/58	12	2/42	8	1/01	4	احياء و اصلاح
100	726	100	330	100	396	جمع

جدول شماره (9) نشان می‌دهد، در مجموع، تعداد واژه‌های ایجابی در سه ماهه اول بیش از سه ماهه دوم است. با توجه به کمی تعداد قطع‌نامه‌ها در سه ماهه دوم، در بسیاری از موارد درصد واژه‌ها افزایش نشان می‌دهد. از جدول 15 گانه واژه‌های ایجابی بر می‌آید، فراوانی واژه‌های «استقلال»، «تشکیل»، «همبستگی با نهضت»، «برقراري»، «عدالت»، «احیا و اصلاح» افزایش یافته است. نکته قابل توجه در این جدول افزایش چند برابر «همبستگی با نهضت» و «عدالت» است. تشدید سرکوب حکومت نظامی به همبستگی سیاسی گروه‌ها و توده مردم انجامیده است.

مقایسه دو جدول شماره‌های 8 و 9 نشان می‌دهد که در مجموع واژه‌های ایجابی (726 واژه) بیش از واژه‌های سلبی (705 واژه) است. در سه ماهه اول واژه‌های سلبی با کسب 474 واحد یا 67/23 درصد از واژه‌های ایجابی با 396 واحد یا 54/54 درصد پیش افتاده است. اما در سه ماهه دوم واژه‌های سلبی با کسب 231 واحد یا 32/77 درصد در مقایسه با واژه‌های ایجابی با 330 واحد یا 45/46 درصد کاهش محسوس را نشان می‌دهد. کاهش واژه‌های سلبی در دو دوره سه ماهه نیز بسیار محسوس است. به طوری که در سه ماهه دوم واژه‌های سلبی (32/77 درصد) به نسبت دوره قبل (67/23 درصد) بیش از دو برابر کاهش را نشان می‌دهد.

ث : کالبدشکافی نمونه‌وار چند واژه سلبی و ایجابی

به منظور روشن شدن محتوای واژه‌های به‌کار رفته در قطع‌نامه‌ها و تشریح کاربرد اصلی آن‌ها در متن، لازم است تعدادی از واژه‌های کلیدی کالبدشکافی شود. هرچند کالبدشکافی همه واژه‌ها در تبیین و تشریح دیدگاه انقلاب مؤثر است، اما عملی‌سازی آن به تطویل این مقاله می‌انجامد. نگارنده به منظور اجتناب از اطاله کلام فقط به‌عنوان نمونه سه واژه ایجابی «آزادی»، «استقلال»، «همبستگی با نهضت» و سه واژه سلبی «انحلال» و «اخراج»، «تبعیض» بررسی خواهد شد.

کاربرد واژه «آزادی» به سه دسته تقسیم شده است: «آزادی به‌مثابه رفتار، باور و عملکرد دموکراتیک»، «آزادی زندانیان سیاسی و تبعیدیان» و «سایر موارد». آزادی‌های دموکراتیک به شکل‌های زیر دیده می‌شود: آزادی بیان و اجتماعات، آزادی تظاهرات، آزادی در انتخابات، آزادی و احترام به حقوق انسانی، آزادی اعتقادات مذهبی،

آزادي و حكومت مردم بر مردم، آزادي قلم و مطبوعات، آزادي فعاليتهاي سياسي مخالفان، آزادي به عنوان حق طبيعي، رعايت آزادي و حيثيت و حریم ملت، آزادي احزاب و گروه‌ها، آزادي فعاليتهاي صنفی و سياسي، آزادي سخنراني‌هاي مذهبی و غیر مذهبی، آزادي فردي و اجتماعي، آزادي از يوغ ديكتاتوري، تأمين آزادي جريان خبررسانی، آزادي فعاليت سنيكاهاي كارگري و غيره. توزيع فراواني واژه «آزادي» در دسته‌هاي سه‌گانه در جدول شماره (10) نمايش داده مي‌شود.

جدول شماره 10 . توزيع فراواني واژه آزادي در خواسته‌هاي انقلابيون

واژه زمان	سه ماه اول	درصد	سه ماه دوم	درصد	جمع	درصد
آزادي دموكراتيک	43	16/42	55	43/71	98	75/54
آزادي زندانيان سياسي	55	92/53	12	58/15	67	43/37
ساير موارد	4	3/92	10	99/12	14	7/82
جمع	102	100	77	100	179	100

واژه «آزادي» در مجموع با كسب 98 واحد يا 54/75 درصد در صدر خواسته‌هاي انقلابيون قرار داشته است. افزايش 29/27 درصدي آن در سه ماهه دوم علي‌رغم كمي تعداد قطع‌نامه‌ها و مواد آن‌ها در سه ماهه دوم (رك جدول شماره 1 و 2) افزايش قابل توجهي در خواسته‌ها پديد آمده است. با آزادي زندانيان سياسي در ماه‌هاي قبل اين خواسته نيز به‌طور قابل ملاحظه کاهش يافته است.

با توجه به جاگاه محوري واژه آزادي در شعار «استقلال، آزادي، جمهوري اسلامي»، اين واژه در جداول شماره 9 و 10 سهم خاصي را به خود اختصاص داده است. جامعه ايران كه يك دوره طولاني از استبداد را تجربه کرده بود از طريق انقلاب مي‌خواست دوره حاكميت بدون استبداد را تجربه نمايد. تجربه آرماني در قالب مفهوم آزادي از قيد و بند استبداد و تفكر استبدادي تجلي يافته است. در جدول 10 اگر از شاخص «آزادي زندانيان سياسي» كه برداشتي سطحي و ظاهري از آزادي است تا بار معنايي و محتوايي صرف‌نظر كنيم، در شاخص دوم يعني «آزادي دموكراتيک» رهايي از بند استبداد كاملا نمايان است و تنظيم‌كنندگان قطع‌نامه‌ها از آن برداشت سياسي و فلسفي داشتند، نه نگرش‌هاي سطحي. البته اين خواسته از انقلاب مشروطيت تاكنون در انقلاب‌ها و نهضت‌هاي مهم ملت تکرار شده است، اما در انقلاب اسلامي از نظر معنايي و كمي گسترش يافته بود.

«همبستگی با نهضت» مؤلفه دیگری است که در جدول شماره (11) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. این مؤلفه برای اظهار همدردی، پشتیبانی، حمایت از قشرهای برخاسته جهت ادامه اقدامات انقلابی تا حصول پیروزی نهایی است.

یافته‌های جدول شماره (11) نشان می‌دهد، همبستگی مردم در دوران سرکوب رفته‌رفته افزایش پیدا کرده است. شاید حتی دولت نظامی از هارای که وقایع خونین محرم را پدید آورد خود به‌عنوان عامل همبستگی ساز ملت نقش ایفا کرده است. اعلام همبستگی قطع‌نامه‌ها در سه ماهه

جدول شماره 11 . اعلام همبستگی جهت حمایت و تداوم حرکت انقلابی

واژه زمان	سه ماه اول	درصد	سه ماه دوم	درصد	جمع	درصد
همبستگی با فرهنگیان	2	14/29	8	9/30	10	10
همبستگی با کارمندان	2	14/29	5	5/81	7	7
همبستگی با روحانیان	2	14/29	11	12/78	13	13
همبستگی با کارگران	0	0	4	4/65	4	4
همبستگی با مطبوعات	0	0	2	2/32	2	2
همبستگی با همافران	0	0	3	3/89	3	3
همبستگی با زندانیان	2	14/29	2	2/32	4	4
همبستگی با کلیه اقشار	6	42/84	51	59/29	57	57
جمع	14	100	86	100	100	100

نوعی تعادل را نشان می‌دهد. جز مورد «همبستگی با کلیه اقشار» بقیه موارد فراوانی و درصد برابری را کسب کرده‌اند. اما این معادله در سه ماهه دوم به هم خورده «همبستگی با کلیه اقشار» با کسب 59/29 درصد و روحانیان با کسب 12/78 درصد بالاترین همبستگی را به‌دست آورده‌اند. البته به‌جز «کلیه اقشار» بقیه با کاهش درصد حمایتی مواجه شده‌اند. باید دلیل این کاهش را در توده‌ای شدن انقلاب و به هم خوردن مرزهای اقشار و همبستگی‌های شغلی در تظاهرات‌ها ارزیابی کرد.

واژه «استقلال» یکی دیگر از واژه‌های ایجابی مطرح شده در قطع‌نامه‌هاست. این واژه به‌دلیل پیوند خوردن با آزادی و جمهوری اسلامی از معروفیت بیشتری برخوردار شده و در شعار ملی «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» خودنمایی می‌کند. اما برخلاف انتظار در

قطعنامه‌ها این واژه بیشتر به معنای سیاسی - ملی به کار نرفته است. بلکه کاربرد آن محدود و در عرصه نهادها و سازمان‌ها مطرح شده است. جدول شماره (12) توزیع فراوانی و درصد واژه «استقلال» را در دو دوره مورد بررسی نشان می‌دهد.

جدول 12 نشان می‌دهد با طولانی شدن تحولات انقلابی و رشد آگاهی‌های سیاسی مردم، نوع خواسته‌های آن‌ها نیز از نظر کیفی تغییر پیدا می‌کند. سه محور استقلال قوه قضاییه، استقلال سیاسی و حفظ تمامیت ارضی و استقلال اقتصادی نیز افزایش یافته است. توضیح این نکته لازم است که در محور «سایر موارد» خواسته‌های صنفی چون استقلال صندوق تأمین اجتماعی، استقلال هنری و فرهنگی دانشکده دراماتیک و غیره آمده است.

جدول شماره 12 . توزیع فراوانی واژه استقلال در مواد قطعنامه‌ها

واژه زمان	سه ماه اول	درصد	سه ماه دوم	درصد	جم ع	درصد
استقلال دانشگاه‌ها	5	34/	5	31/	10	41/29
استقلال رادیو و تلویزیون	2	33/	1	5/26	3	8/82
استقلال معلمان فکری	2	33/	1	5/26	3	8/82
استقلال قوه قضاییه	0	0	3	79/	3	8/82
استقلال سیاسی و حفظ تمامیت ارضی	2	33/	3	79/	5	71/14
استقلال اقتصادی	1	67/6	2	53/	3	8/82
سایر موارد	3	20	4	06/	7	59/20
جمع	15	100	19	100	34	100

از واژه‌های سلبی «انحلال» در جدول شماره (13) مورد تجزیه قرار گرفته است.

جدول شماره 13 . توزیع فراوانی واژه «انحلال» در مواد قطعنامه‌ها

واژه زمان	سه ماهه اول	درصد	سه ماهه دوم	درصد	جمع	درصد
انحلال ساواک و سایر نهادهای امنیتی	10	22/73	0	0	10	17/24
انحلال مجلسین	6	13/64	7	50	13	22/41
انحلال نهادهای حفاظتی از ادارات و کارخانه ها	12	27/27	2	14/29	14	24/13
انحلال حفاظت از مدارس	6	13/64	0	0	6	10/34
انحلال نهادهای مدنی فرمایشی	7	15/91	2	14/29	9	15/52
انحلال مدارس مختلط	1	2/27	0	0	1	1/73
انحلال شورای سلطنت	0	0	3	21/42	3	5/18
سایر موارد	2	4/54	0	0	2	3/45
جمع	44	100	14	100	58	100

شایان توضیح است که در جدول شماره (13) بیشتر واژه «انحلال» مورد نظر است. ممکن است در برخی از قطعنامه‌ها به جای واژه انحلال از واژه‌های دیگر همچون «لغو» و یا کلمات مشابه استفاده شود که در این جدول نیامده است.

واژه گزینش شده دوم «تبعیض» است. تنفر از تبعیض اختصاص به دوره خاصی ندارد، بلکه در هر حکومتی به شکلی رخ می‌نماید. در قطعنامه‌های این دوره مسئله تبعیض در سه معنی به‌کار رفته است: تبعیض یعنی رابطه به جای ضابطه، تبعیض یعنی رفتارهای غیر قانونی و بی‌ضابطه بین کارمندان ایرانی، تبعیض یعنی برتری دادن کارکنان و مستشاران و مهندسان خارجی نسبت به ایرانیان. در معنی دوم، تبعیض یعنی تفاوت قایل شدن غیر قانونی بین ایرانیان به صورت و قالب‌های زیر در قطعنامه‌ها منعکس شده است که نگارنده همه آن‌ها را تحت عنوان وجود تبعیض بین بخش دولتی و خصوصی، تبعیض بین کارمندان جدید و قدیم، تبعیض بین کارمندان موقت و ثابت، تبعیض بین کارمندان باسواد و کم‌سواد و باتجربه، تبعیض بین شاغلین و بازنشستگان، وجود تبعیض در استفاده از بورس‌های خارج، تبعیض بین معلمان و سایر کارمندان، تبعیض در سطوح مختلف آموزشی غیره به‌کار

برده است. جدول شماره (14) توزیع فراوانی واژه «تبعیض» را نشان می‌دهد.

جدول شماره 14 . توزیع فراوانی خواسته‌های ناظر بر رفع تبعیض در قطع‌نامه‌ها

درصد	جمع	درصد	سه ماهه دوم	درصد	سه ماهه اول	واژه تبعیض زمان
23/53	8	66/66	2	19/35	6	رابطه به جای ضابطه
61/76	21	33/34	1	64/52	20	تبعیض بین ایرانیان
14/71	5	0	0	16/13	5	تبعیض بین ایرانیان و خارجیان
100	34	100	3	100	31	جمع

وجود تبعیض در ساختار سیاسی و اداری کشور در جدول شماره (14) به نمایش درآمد و نشان می‌دهد که واژه «تبعیض» با کسب 34 واحد یا 4/82 درصد از میان شانزده واژه در مرتبه نهم قرار گرفته است. آمار فوق نشان می‌دهد که وجود تبعیض بین ایرانیان در ادارات و نهادها مهم‌ترین دغدغه مخالفان رژیم بود.

سومین واژه برگزیده شده واژه «اخراج» است که هم با مفهوم «تبعیض» ارتباط دارد و هم با کسب 61 واحد یا 9/50 درصد در مقام چهارم جدول شماره (15) قرار گرفته است. به منظور تبیین بهتر واژه آن به شش مؤلفه تفکیک شده است. جدول شماره (15) توزیع فراوانی واژه را در قطع‌نامه‌ها نشان می‌دهد.

جدول شماره 15 . توزیع فراوانی واژه «اخراج» در مواد قطع‌نامه‌ها

درصد	جمع	درصد	سه ماهه دوم	درصد	سه ماهه اول	واژه اخراج زمان
37/11	36	38/89	14	36/07	22	اخراج خارجیان از کشور
9/28	9	2/78	1	13/11	8	اخراج فرق ضاله
28/87	28	47/22	17	18/03	11	اخراج عناصر وابسته و فاسد

15/46	15	8/33	3	19/67	12	اخراج عناصر امنیتی از ادارات
8/25	8	2/78	1	11/48	7	بازگشت اخراج شدگان برسرکار
1/03	1	0	0	1/64	1	جلوگیری از اخراج کارکنان
100	97	100	36	100	61	جمع

محور «اخراج خارجیان از کشور» که بیانگر ماهیت ضد استعماری و استکباری انقلاب اسلامی است به صورت چندین خواسته دیده می‌شود: اخراج خارجیان و لغو قراردادهای خارجی، ایرانی کردن شرکت نفت و اخراج کلیه خارجی‌ها، سپردن کارها به دست ایرانی‌ها، لغو قرارداد کنسرسیوم و اخراج مستشاران خارجی، خروج از کلیه پیمان‌های خارجی، اخراج 1500 امریکایی از 3000 کارمند شرکت هلیکوپترسازی، اخراج اسرائیلی‌ها و قطع رابطه با آن دولت غاصب، اخراج عوامل استعمار و محکوم کردن استعمارگران و قطع رابطه با امپریالیست‌ها و غیره از مهم‌ترین داده‌های مطرح شده در این زمینه است.

در محور «اخراج عناصر وابسته و فاسد» نیز مواردی چون افراد رشوه‌گیر، برکناری سفرای فاسد، جاسوسان و عوامل وابسته و نوکرما ب گنجانده شده است.

توزیع فراوانی دو محور «اخراج خارجیان از کشور» و «اخراج عناصر وابسته و فاسد» در هر دو دوره افزایش یافته است. تأکید به این خواسته نشانگر آگاهی مردم از سیاست داخلی و خارجی است. مردم علی‌رغم مشاهده علایم پیروزی انقلاب در سه ماهه دوم باز هم دست از مخالفت برنداشتند. اگر کاهش 20 درصدی تعداد قطع‌نامه‌های دوره دوم در مقایسه با دوره اول (مطابق جدول شماره 2) را در نظر بگیریم و افزایش حدود 2 درصدی محور اول و 29 درصدی محور سوم را مورد تأمل قرار دهیم پافشاری انقلابیون با این خواسته‌ها جهت‌گیری سیاسی انقلاب را نشان خواهد داد. هرچند در جدول 12 تأکید شد که مفهوم استقلال بیشتر ناظر بر عرصه نهادها و سازمان‌ها مطرح شده است و هدف از آن نیز بیشتر استقلال از چنبره نفوذ دامن‌گستر استبداد و قطع مداخله عوامل مداخله‌گر غیر مسئول است. اما از فحوای جدول 15 می‌توان برداشتی از مفهوم استقلال سیاسی پی برد. جدول 14 بر وجود تبعیض بین ایرانیان و خارجیان در ساختار سیاسی، اقتصادی و اداری تأکید شده است. در جدول 15 اخراج خارجیان از کشور نماد استقلال تلقی شده است و بالاترین رتبه را در میان شاخص‌های دیگر جدول به خود اختصاص داده است.

ج : تحلیل کمی ماهیت و نهادهای حکومت پهلوی

سلطنت پهلوی از زمان تشکیل با ماهیت استبدادی با تکیه بر قدرتهای خارجی به حیات سیاسی خود ادامه داد. فراز و نشیب‌های این رژیم در برهه‌هایی همچون سقوط رضاشاه، نهضت ملی شدن صنعت نفت و کودتای 28 مرداد 1332، سرکوب نهضت 15 خرداد 1342 روند دیکتاتوری آن را شتاب

بخشید. بستن فیضیه و بعد تبعید امام خمینی نقطه عطف دیگری در روند استبدادگرایی پهلوی بود. استبدادگرایی رژیم با حرکت‌های افراطی سکولار نیز همراه شد. رژیم پهلوی برخلاف سلطنت‌های پیشین از مؤلفه‌های سنتی و مذهبی بهره نگرفت، بلکه سعی نمود با درآمیختن مدرنیسم و سلطنت سنتز جدیدی به‌دست آورد. محمدرضا پهلوی برای ایجاد نوعی تعادل بین این مؤلفه‌ها نیازمند احیای شوکت پادشاهی مستبدانه پدرش بود. بنابراین سعی داشت نقش پادشاه همه‌کاره را از طریق اعمال نظارت بر نهادهای دموکراتیک بازی کند. با این همه، دوست داشت خود را یک پادشاه مترقی معرفی کند، نه یک پادشاه سنتی (کاتوزیان، 1374 : 242).

دوگانه اندیشی شاه به بحران نهفته ساختاری جامعه دامن زد و آن را پیچیده‌تر از گذشته ساخت. پافشاری بیش از حد شاه به اینکه بحران‌های نهفته ساختاری از طریق پیشبرد افراطی مدرنیسم حل خواهد شد، رژیم را به تحمیل مدرنیسم بر پیکر یک جامعه سنتی با تکیه بر اهرم سرکوب واداشت. ساواک در نزد مخالفان سیاسی سمبل شکنجه و اعدام‌های غیر قانونی و سانسور شناخته می‌شد. با مطرح شدن بدیل‌های رژیم سلطنت از اعتبار و منزلت آن در جامعه کاسته شد. ماهیت و عملکرد نهادهای پنجاه ساله حکومت پهلوی در قطع‌نامه‌های شش ماهه آخر عمر آن انعکاس یافته است. در واقع، قطع‌نامه‌ها کارنامه سیاسی حکومت پهلوی به قضاوت مردم است.

حال، به منظور تحلیل کمی ماهیت سلطنت پهلوی، واژه‌ها و مفاهیم به‌کار رفته در قطع‌نامه‌ها در هشت محور جدول شماره (16) استخراج شده است.

جدول شماره 16 . توزیع فراوانی مخالفت با استبداد و مواضع ضد مردمی رژیم سابق در مواد قطع‌نامه‌ها

مفاهیم زمان	سه ماهه اول	درصد	سه ماهه دوم	درصد	جمع	درصد
استبدادی ودیکتاتوری	4	25	19	25	23	25
طاغوت منفور وفاسد	3	18/75	12	15/79	15	16/30
غیر قانونی و باطل	1	6/25	13	17/11	14	15/22
غیر شرعی و غاصب	1	6/25	6	7/89	7	7/61
ضد مردمی، سفاک و غیر انسانی	2	12/50	7	9/21	9	9/78
وابسته ونوکر بیگانگان	3	18/75	7	9/21	10	10/87
آزادی کش	0	0	1	1/32	1	1/09

8/70	8	10/53	8	0	0	رژیم ارتجاعي شاهنشاهي
5/43	5	3/94	3	12/50	2	ضد دين ويزيدي
100	92	100	76	100	16	جمع

جدول شماره (16) نشان مي‌دهد که نگرش منفي مردم به سلطنت در طول سه ماه چقدر تغيير يا تداوم يافته است. ويژگي «استبدادي و ديکتاتوري» در طول شش ماهه (26/09 درصد) تغيير زياد پيدا نکرده است. افزايش اندک نيز در تأييد موضع قبلي است. اما ويژگي «غير قانوني و باطل» بودن رژيم، 10/86 درصد افزايش يافته است. ويژگي «رژيم ارتجاعي شاهنشاهي» نيز افزايش 10/53 درصد را نشان مي‌دهد. در ميان شاخصهاي اين جدول تنها شاخص «ضد دين، غاصب و يزيدي» از نظر فراواني افزايش معناداري را نشان مي‌دهد که مي‌توان آن را ناشي از مشارکت همه‌جانبه فقهاي شيعي و کشتارهاي ماههاي محرم و صفر سال 1357 دانست. اما کاهش درصد آن به معنای تخفيف جنبه ضدديني رژيم نبود. در کل اين شاخص چهارمين رتبه را بين شاخصهاي جدول به خود اختصاص داده است. واقعيت آن است که اين نوع قضاوت برآيند پنجاه سال حکومت ديکتاتورمآبانه رژيم پهلوي است. نگرش مردم به ماهيت رژيم در جدول (17) نيز ديده مي‌شود.

به منظور تبیین کمی ماهیت نهادهای رژيم پهلوي، مفاهيمي از قطعنامه استخراج و در جدول شماره (17) درج مي‌شود.

نکته قابل توجه در جدول شماره (17) افزايش چند مؤلفه در سه ماهه دوم است. روند فزاينده اين واحدها در حالي صورت مي‌گيرد که قبلا يادآور شدیم مواد قطعنامههاي سه‌ماهه دوم کمتر از سه ماهه اول است. صفر شدن واحد «انحلال ساواک» در سه ماهه دوم به اين دليل است که در اين تاريخ ساواک عملاً منحل شده بود. نهاد «ارتش» تنها نهاد وابسته به ساختار قدرت است و

جدول شماره 17 . توجه به ماهيت رژيم غيرمردمي سابق در مواد قطعنامه‌ها

زمان نهاده‌ها	سه ماه اول	درصد	سه ماه دوم	درصد	جمع	درصد
مجلسين غير قانوني	9	6/38	19	16/38	28	10/89
اجراي قانون اساسي	12	8/51	7	6/03	19	7/39
الغاي قوانين ضد اسلامي ومخالف	9	6/38	17	14/66	26	10/12

						قانون
3/89	10	0	0	7/09	10	انحلال ساواک
13/62	35	29/31	34	0/71	1	دولت غیر قانونی
2/72	7	6/03	7	0	0	ارتش
14/79	38	2/59	3	24/82	35	انحلال نهادهای امنیتی
4/67	12	10/35	12	0	0	شورای غیرقانونی سلطنت
7/78	20	6/03	7	9/22	13	انحلال نهادهای مدنی فرمایشی
2/34	6	0	0	4/26	6	برگزاری انتخابات آزاد
21/79	56	8/62	10	32/63	46	لغو حکومت نظامی
100	257	100	116	100	141	جمع

رژیم از آن در تثبیت پایه‌های قدرت خود استفاده کرده است که قطع‌نامه‌ها به آن نگرشی مثبت نشان داده‌اند.

در این قطع‌نامه‌ها از ارتش با جملات احترام‌آمیز همچون «ملت به ارتش آزاده احترام می‌گذارد»، «ارتش حافظ استقلال و تمامیت ارضی مملکت است»، «ارتش از ملت جدا نیست»، «ملت از ارتش و ارتش از ملت پشتیبانی می‌کند» و غیره. در ایجاد نگرش مثبت مردم به ارتش نباید از پیام امام خمینی به مردم در حمایت از ارتش غافل شد. از 11 واحد 5 واحد بالای 10 درصد فراوانی را به خود اختصاص داده است.

حاصل سخن این‌که، قطع‌نامه‌ها به رژیم پهلوی به‌عنوان یک مجموعه و منظومه نگریسته و ماهیت آن را با نهادهایش مرتبط می‌دانند. به این دلیل آهنگ رد سلطنت و نگرش منفی به نهادهای رژیم نوعی تعادل نشان می‌دهد. هرچند توزیع فراوانی شماره (14) در مقایسه با توزیع فراوانی جدول شماره (15) واحدهای کمتری را نشان می‌دهد، اما می‌توان دلیل آن را همان‌طوری که گفته شد رفتار احتیاط‌آمیز مردم درباره قضاوتشان از خود سلطنت و شخص اول کشور دانست. فرهنگ سیاسی مردم ایران به گونه‌ای است که انتقاد از رأس قدرت خود را در لابه‌لای انتقاد از نهادها پنهان می‌سازند. به سخن دیگر، در فرهنگ محتاطانه انتقاد از نهادهای پایین در واقع همان انتقاد از خود سلطنت تلقی می‌شود. زیرا مردم — شاید به‌درستی — تفکیک قوا را باور نداشته و همه نظام سیاسی را یک مجموعه یکپارچه می‌پنداشتند که در زیر سیطره شاه قرار گرفته بود.

ح : تحلیل کمی ماهیت نهضت و نهادهای انقلابی

یکی از نکات کلیدی قطعنامه‌ها توجه چند بعدی به قضایای انقلاب بود. هرچند صدور قطعنامه‌ها در شرایط سیاسی و اجتماعی خاصی صورت گرفته است، اما رویکرد ایجابی نیز در آن‌ها دیده می‌شود. باید اذعان داشت که رویکرد ایجابی در قطعنامه‌ها پدیده‌ای جدید است و بیشتر در سه ماهه دوم دیده می‌شود. یعنی با رفتن امام به پاریس در صحنه سیاست ایران تحولات جدیدی به وجود آمد و مسئله جمهوری اسلامی توسط امام مطرح گردید و این ابتکار انقلابی رویکرد ایجابی انقلاب را به شدت تقویت کرد.

حال برای تبیین رویکرد ایجابی انقلاب اسلامی، سه محور «ماهیت نهضت»، «نام حکومت جدید» و «نهادهای انقلابی» طراحی شده است. هر یک از این محورها بخشی از رویکرد ایجابی را روشن می‌کند. جدول شماره (18) ماهیت نهضت را نشان می‌دهد.

جدول شماره 18 . اعلام ماهیت نهضت در قطعنامه‌ها

ماهیت نهضت زمان	سه ماهه اول	درصد	سه ماهه دوم	درصد	جمع	درصد
نهضت اسلامی	8	44/44	20	36/36	28	38/36
نهضت ملی	2	11/11	7	12/73	9	12/33
نهضت دموکراتیک وملی	0	0	2	3/64	2	2/74
ضد دیکتاتوری و ضد استبدادی	3	16/67	6	10/91	9	12/33
نهضت ضد استعماری	2	11/11	5	9/09	7	9/59
نهضت اسلامی - ملی	2	11/11	3	5/45	5	6/85
جنبش کارگری	1	5/56	2	3/64	3	4/11
نهضت اصیل ورهای بخش	0	0	5	9/09	5	6/85
نهضت حق طلبانه و آزادی بخش	0	0	4	7/27	4	5/48
حرکت توحیدی	0	0	1	1/82	1	1/36
جمع	18	100	55	100	73	100

جدول شماره (18) نشان می‌دهد که محور «نهضت اسلامی» با کسب بالاترین درصد (38/36) ماهیت اصلی انقلاب را نشان می‌دهد. جالب آن است که در کنار آن سایر خواسته‌ها که گهگاه در تقابل فکری با این خواسته بوده در جدول دیده می‌شود. در رده‌های بعدی محور «نهضت ملی» و «ضد دیکتاتوری و ضد استبدادی» به‌طور مشترک با کسب 12/33 قرار گرفته است. تذکر این نکته لازم است که از بسیاری از قطعنامه‌ها چنین

برمی‌آید که مردم خط فاصل دقیق و علمی بین برخی از جنبه‌ها، مثلاً بین «اسلامی» و «ملی» و «حقیقت‌پسندانه و آزادیخواهانه»، ترسیم نکرده‌اند. همان‌گونه که در محور ششم جدول بالا 5 واحد یا 6/85 درصد به ماهیت دوانگاره‌ای آن اختصاص یافته است. در برخی قطعنامه‌ها گاهی واژه «اسلامی» به کار رفته و چند ماده بعد و گاهی حتی در همان ماده واژه «ملی» استفاده شده است.

دومین محور در تبیین ماهیت ایجابی قطعنامه‌ها «نام حکومت آینده» می‌باشد، که قابل بررسی است. قطعنامه‌ها نشان می‌دهد مردم نه تنها به ماهیت نهضت خود توجه داشتند به نام و چگونگی حکومت آینده نیز علاقه‌مند بودند. در قطعنامه‌ها درباره نام حکومت تنوع زیادی دیده می‌شود. جدول شماره (19) توزیع فراوانی و درصد نام حکومت را در دو دوره مورد پژوهش نشان می‌دهد.

جدول شماره 19 . معرفی «حکومت آینده» در قطعنامه‌ها

نام حکومت زمان	سه ماهه اول	درصد	سه ماهه دوم	درصد	جمع	درصد
جمهوری اسلامی	0	0	20	40	20	36/36
حکومت اسلامی	3	60	8	16	11	20
جمهوری عدل اسلامی	0	0	2	4	2	3/64
جمهوری آزاد اسلامی	0	0	2	4	2	3/64
جمهوری دموکراتیک اسلامی	0	0	2	4	2	3/64
حکومت عدل اسلامی	0	0	10	20	10	18/18
حکومت ملی	1	20	2	4	3	5/45
حکومت ملی - اسلامی	1	20	2	4	3	5/45
حکومت دموکراتیک	0	0	2	4	2	3/64
جمع	5	100	50	100	55	100

جدول شماره (19) دغدغه حکومت آینده نزد ملت را براساس قطعنامه‌ها نشان می‌دهد. در سه ماهه اول تنها سه مدل حکومتی یعنی حکومت اسلامی، حکومت ملی و حکومت ملی - اسلامی با واحدهای بسیار کم مطرح شده است. اما در دوره دوم تحت‌تأثیر رهبری امام خمینی مدل حکومتی مطرح شده توسط ایشان یعنی «جمهوری اسلامی» با جهش بسیار بالاترین فراوانی (20 واحد) و درصد (36/36) را در سه ماهه دوم به خود اختصاص داد. در رده‌های دوم و سوم مدل «حکومت اسلامی» با 20 درصد و «حکومت عدل اسلامی» با 18/18 درصد قرار گرفته است. نکته دیگر این‌که از 9 مدل حکومتی رایج شده 6 مدل از نوع حکومت‌های ترکیبی است.

یعنی از اجزای متفاوت تشکیل شده است. جالبتر آنکه 7 مدل حکومتی پسوند اسلامی دارد. این امر به این معنی است که اسلام‌خواهی در انقلاب اسلامی اصلی مسلم بوده است. البته مدلهای با پسوند اسلامی یا بی‌پسوند از نظر ماهیت و محتوا با هم تفاوت دارند، اما گفتمان غالب گفتمان اسلامی بود.

سومین محور «نهادهای انقلابی» است. به منظور عینی کردن نهادهای انقلابی آن را به پنج مؤلفه در قالب جدول شماره (20) تقسیم شده است. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های این محور مسئله رهبری نهضت و شخص امام خمینی است. نام ایشان به صورتهای مختلف دیده می‌شود که در بسیاری از آن‌ها بر رهبری سیاسی و مرجعیت دینی آیت‌ا... خمینی توأمان اشاره شده است. تنها در چند مورد عنوان کلی «رهبر انقلاب» به کار رفته است در بقیه موارد نام و القاب امام آمده است. برای مثال: «رهبر عالی‌قدر امام خمینی»، «حضرت آیت‌ا... خمینی رهبر عالی‌قدر»، «زعیم عالی‌قدر حضرت آیت ا... العظمی خمینی»، «قاید اعظم و پیشوای روحانی حضرت امام خمینی» و غیره آمده است. غیر از امام اسامی دو تن از رهبران روحانی یعنی آیت‌ا... شریعتمداری و آیت‌ا... طالقانی نیز در قطعنامه‌ها آمده است اما توزیع فراوانی آن دو قابل مقایسه با نام امام نیست.

جدول شماره 20 . تأکید بر برخی نهادهای انقلابی در قطعنامه‌ها

نهادهای انقلابی زمان	سه ماهه اول	درصد	سه ماهه دوم	درصد	جمع	درصد
رهبری امام خمینی	12	85/71	41	57/75	53	62/35
رهبری دیگر شخصیت‌ها	2	14/29	6	8/45	8	9/41
شورای انقلاب	0	0	16	22/54	16	18/82
دولت موقت	0	0	7	9/85	7	8/24
مجلس موسسان	0	0	1	1/41	1	1/18
جمع	14	100	71	100	85	100

جدول شماره (20) نشان می‌دهد که رهبری امام خمینی در انقلاب بلامنازع بوده است. هرچند در نگاه آماری در رهبری امام و سایر شخصیت‌ها علی‌رغم افزایش فراوانی با کاهش درصد روبه‌رو هستیم، در مقابل دو عامل دیگر یعنی «شورای انقلاب» و «دولت موقت» در عرصه قطعنامه‌ها پدیدار شده و درصد مناسبی (به ترتیب 22/54 و 9/85 درصد) به خود اختصاص داده است، اما واقعیت آن است که این امر به معنای کاهش محبوبیت امام نیست، بلکه از یکسو ناشی از تثبیت رهبری امام و از سوی دیگر ظهور آن دو پدیده جدید در عرصه سیاسی و داغ بودن بحثشان بوده است.

نکته جالب توجه دیگر جدول این است که در تمام قطعنامه‌ها دوره دوم به‌طور متوسط دستکم یکی از مؤلفه‌های جدول بالا آمده است که این اتفاق نظر در نوع خود در قطعنامه‌های دوره انقلاب بی‌نظیر است.

قطعنامه‌ها از ابزارهای نوین اعتراض است که اغلب قشرهای متوسط جدید از آن بهره برده‌اند. قشرهای سنتی جامعه مانند روحانیان، بازاریان، کشاورزان و کارگران ساختمانی و غیره به‌جز موارد نادر از آن استفاده نکرده‌اند. قشرهای سنتی ابزارهای سنتی رایج اعتراض را به کار برده‌اند. جامعه آماری نشان می‌دهد قشرهای جدید مانند کارمندان دولت، کارگران کارخانجات و مؤسسات صنعتی، فرهنگیان از آن بهره برده‌اند. پس قالب قطعنامه قالبی فراگیر برای انعکاس خواسته‌های تمام اقشار نیست. با این‌همه، نمی‌توان از آن به‌دلیل فراگیر نبودن دایره شمولش نادیده گرفت.

قطعنامه‌ها به نوعی بیانگر دوگانگی در ساختارها، نگرش‌ها و وضعیت جامعه است. روند کلی این دوگانگی با گذشت زمان و تشدید مبارزات انقلابی نه تنها به وحدت متمایل نشد بلکه تحت‌تأثیر شرایط انقلابی تغییر سطح داده، دوگانگی از نوع دیگری را به نمایش گذاشت. این دوگانگی قطعنامه‌ها را به دو دسته قطعنامه‌های صنفی و سیاسی تقسیم کرده است. محتوای این دو باهم متفاوت است. خواسته‌های سیاسی نقطه اتصال این دو قطعنامه‌های مختلط یا ترکیبی است. در قطعنامه‌های ترکیبی اکثر مفاد از خواسته‌های صنفی شروع می‌شود و خواسته‌های سیاسی در سطح نازل، پراکنده و جزئی در بخش‌های پایانی مطرح می‌گردید هر چه به زمان پایانی عمر رژیم نزدیک می‌شد خواسته‌های سیاسی به‌تدریج پررنگ‌تر شده و از نظر محل قرار گرفتن نیز تغییراتی به خود دیده است. به‌خصوص در دو ماه پایانی عمر رژیم به نوعی با غیبت یا کاهش محسوس خواسته‌های صنفی روبه‌رو می‌شویم.

نوعی دیگر از دوگانگی، دوگانگی محتوایی نهفته در قطعنامه‌های سیاسی است که در جامعه خواسته‌های سلبی و ایجابی خود را بروز داده است. قطعنامه‌های سیاسی نیز از نظر محتوا نوعی دوگانگی به همراه دارد. در این فرایند نیز خواسته‌های سلبی مقدم بر خواسته‌های ایجابی بوده است. رفته رفته تعادل برقرار شده و سپس جنبه‌های ایجابی خود را بیشتر نمایان کرده است. برای مثال، لغو حکومت نظامی، انحلال مجلسین، انحلال شورای سلطنت مقدم بر دیگران بوده جای آن‌ها را مواد ایجابی مانند رهبری امام خمینی، تشکیل دولت موقت، جمهوری اسلامی و حکومت اسلامی گرفت. خروج شاه و ورود امام به کشور فرصت خوبی برای تغییر و دگرذیسی در نگرش و مواضع مردم بوده است و خواسته‌های سیاسی ایجابی سیطره کاملی بر قطعنامه‌های پیدا کرد. این مراحل متعدد تغییر سطوح و کیفیت قطعنامه‌ها خود بیانگر پایان یک نظم و آغاز سامانی دیگر است. پس خواسته‌های انعکاس‌یافته در قطعنامه‌ها در یک فرایند پیچیده و چند بعدی از مواضع و مطالبات صنفی به سیاسی و از سلبی به ایجابی تغییر یافته است.

روند دگرگونی مطالبات سیاسی نیز چشمگیر و معنادار است که از آن به روند مطالبات «در نظام و از نظام» به «بر نظام» تعبیر کرد. در مراحل آغازین مطالبات سیاسی تغییر در ساختارها و نهادهای درون نظام سیاسی بود. مثلاً، استقلال دانشگاه‌ها، رادیو و تلویزیون، استقلال قوه قضاییه، عدم تبعیض بین کارمندان، انحلال نهادهای مدنی فرمایشی و... از جمله خواسته‌های سلبی درون نظام است. اما هر چه زمان می‌گذشت و سرعت تحولات انقلابی افزایش می‌یافت و نهادهای حکومتی کنترل بحران را از دست می‌دهند روند خواسته‌ها نیز متحول شده بر تغییر نظام سیاسی تأکید می‌شود. جدول 16 نشان می‌دهد که در سه ماهه اول شاخص هفتگانه «ماهیت سلطنت پهلوی» تنها 16 فراوانی کسب کرده، در حالی‌که در سه ماهه دوم 76 فراوانی به‌دست آورده است. چنین تغییر معنادار در مطالبات ایجابی سیاسی نیز به چشم می‌خورد، در روند افزایش بحران مطالبات سیاسی ایجابی از برقراری آزادی‌های سیاسی، استقلال، رفع تبعیض و غیره از چارچوب نهادهای مستقر خارج شده در قالب‌های دیگر حکومتی جست‌وجو می‌شود که جدول 19 انواع حکومت‌های بدیل

را نشان می‌دهد. نوع حکومت آینده در سه ماهه اول تنها 5 فراوانی و سه ماهه دوم 50 فراوانی را کسب کرده است. پس می‌توان روند خواسته‌های سلبی و ایجابی تنظیم‌کنندگان قطع‌نامه‌ها را روند منطقی ارزیابی کرد.

منابع

الف : کتابها و مقالات

- اباذری، رحیم (1380)، *انقلاب اسلامی در میانه*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- افاضاتی، علی (1384)، *انقلاب اسلامی در سیرجان*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- باردن، لورنس (1375)، *تحلیل محتوا*، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمینی دوزی سرخابی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- پناهی، محمدحسین (1383)، *جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- پایدار، حسین و پروان، بیژن (1382)، *انقلاب اسلامی در بجنورد*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1382.
- حسن‌زاده، اسماعیل (1386)، «هویت ملی در شعارهای انقلاب اسلامی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال هشتم، ش 31، صص 3 - 30.
- حسن‌زاده، اسماعیل، *انقلاب اسلامی در مرند*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، زیر چاپ.
- رایف، دانیل، لیسی، استفن، فیکو، فردریک (1381)، *تحلیل پیام‌های رسانه‌ای: کاربرد تحلیل محتوی کمی در تحقیق*، ترجمه مهدخت بروجردی علوی، تهران.
- دانشگاه تبریز (1378)، *بیانیه‌های دانشگاهیان تبریز در جریان انقلاب اسلامی*، تبریز دانشگاه تبریز.

زریني، حسین (1384)، *نهاد در انقلاب*، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج.

روحاني، حمید (1374)، *اسناد انقلاب اسلامي*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامي.

روحاني، حمید (1382)، *نهضت امام خميني*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامي.

صغري، حسین، *انقلاب اسلامي در رفسنجان*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامي، زیر چاپ.

طاهري خرم آبادي، سيدحسن (1384)، *خاطرات*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامي.

علم، محمدرضا (1386)، *انقلاب اسلامي در اهواز*، تهران مرکز اسناد انقلاب اسلامي.

کاتوزیان، محمدعلي (1374)، *اقتصاد سياسي ايران*، تهران، نشر ني.

گر، تدرابرت (1378)، *چرا انسانها شورش ميکنند*، ترجمه علي مرشديزاده، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردي.

ممیز، مرتضي (1363)، *تصاویر و دیوار نوشته هاي انقلاب*، تهران، علمي و فرهنگي.

مرادي نيا، محمدجواد (1377)، *خمین در انقلاب اسلامي*، چ اول تهران، مرکز اسناد اسلامي.

مرکز اسناد انقلاب اسلامي (1379)، *فرهنگ شعارهاي انقلاب اسلامي*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامي.

ب : مراکز آرشیوي

آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامي

آرشیو اسناد و مدارك انقلاب اسلامي

ج : روزنامه ها

روزنامه *اطلاعات*، شماره هاي مهر تا بهمن 1357 .

روزنامه *کيهان*، شماره هاي مهر تا بهمن 1357 .

اسماعيل حسنزاده استاديوار تاريخ دانشگاه الزهرا است.
ismailhassanzadeh@yahoo.com